

ارزیابی ابعاد (مفهومی، عملکردی و کالبدی) معماری کلیساهای صلیبی از منظر اسلامی



عبدالحمید نقره‌کار *

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

ریحانه سادات طباطبایی یگانه **

دانشجوی دکتری معماری اسلامی دانشگاه هنر اصفهان، مدرس دانشگاه علم و صنعت ایران و دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده‌ی مسئول)

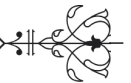
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۶/۰۳

چکیده:

یکی از مهم‌ترین دلایل انحرافات مکاتب بشری در شرق و غرب عالم، به خصوص جریان‌های نوگرایی (مدرنیستی) و فرانوگرایی (پست‌مدرنیستی) - که بعد از قرون وسطی و دوران رنسانس در فرهنگ غربی ایجاد شد؛ و تا زمان معاصر در جهان گسترش یافته است - انحرافات است که در ادیان الهی به خصوص دین یهود و دین مسیح توسط معتقدان به این ادیان اتفاق افتاده است. منابع معتبر اسلامی (کلام الهی و سنت معصومین (س))، این انحرافات را تبیین، تشریح و تحلیل نموده است. نمونه‌ای از آن تحریفات، اعتقادات مسیحیان به مفاهیم (خدا، پیامبر، رابطه انسان با خداوند، پیامبر، علما، جامعه و طبیعت) است. در این مقاله، تأثیر این انحرافات بر یکی از مهم‌ترین عناصر تمدن بشری یعنی (نیایشگاه‌های انسانی) و به عنوان نمونه خاص (کلیساهای صلیبی) از منظر اسلامی، مبتنی بر نظریه (سلام) مورد تفسیر و تحلیل قرار گرفته است. نظریه (سلام) فرآیندهای انسانی نظیر ساختمان یک نیایشگاه را به طور کلی مبتنی بر پنج مرحله (ایده‌ها، انگیزه‌ها و روش‌های هنرمند معمار، تا خلق کالبد اثر و تأثیرات اثر بر مخاطبین) تقسیم نموده است؛ و تأثیر انحرافات هر مرحله را به مراحل بعدی تا خلق اثر معماری و تأثیرات آن مورد تفسیر و تحلیل قرار می‌دهد. در این نظریه اعلام می‌شود که پیامبران و مکاتب الهی منابع و مبانی معصومانه‌ای را برای سه مرحله اول از فرآیندهای انسانی با عناوین (اعتقادات، احکام و اخلاق) ارائه نموده‌اند؛ و مرحله چهارم احتیاج به اجتهاد تخصصی و خلق اثر توسط انسان‌ها در عالم طبیعت دارد. بنابراین اشکالات موجود در کالبد آثار تمدنی و از جمله (کلیساهای صلیبی) نتیجه انحرافات در (اعتقادات، احکام و اخلاق) ایجاد شده در فرهنگ مسیحی است. پژوهش حاضر بنیادی است؛ و روش تحقیق این پژوهش اسنادی و مبتنی بر منابع اولیه و ثانویه معتبر و مبانی مستدل اسلامی (تحلیلی و تفسیری) و نیز اناجیل چهارگانه و متون متقدم مسیحی است. در نتیجه گیری، تأثیرات انحرافات (اعتقادی، رفتاری و روشی) مسیحیان بر کالبد کلیساهای صلیبی از ابعاد (ایده‌های هندسی - فضایی، آرایه‌ها و نمادها) مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است.

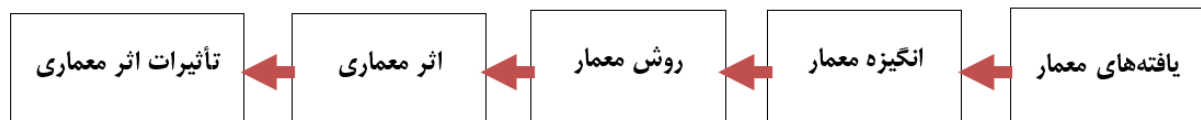
واژه‌های کلیدی: نیایشی، نیایشگاه، عبادت، عبادتگاه، کلیساهای صلیبی، مسجد.



۱. مقدمه

مبتنی بر نظریه سلام^۱، فرایندهای انسانی از جمله آثار هنری و معماری و شهرسازی تا تأثیرات آنها بر مخاطبین مراحل کلی پنجگانه را طی می‌نمایند. آنچنان که در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود؛ در مرحله اول مجموع یافته‌های (حسی و مفهومی) معماران که در حافظه آنها ذخیره شده است؛ ایده‌های اولیه آنها را می‌سازد. در مرحله دوم مبتنی بر دو فرمانده درونی انسان‌ها یعنی نفوس (لوامه یا اماره) انسان آزادانه می‌تواند یکی از دو نوع انگیزه تخیل و خیال خود را بکار گیرد. خیال و تخیلی که وابسته به نفوس (عقلانی و روحانی) باشد؛ انسان را به (حقیقت و خیر و زیبایی و تعالی) دعوت می‌نماید؛ ولی اگر خیال و تخیل تابع خیال و تخیل (نفوس حیوانی) و بعد (حسی و غریزی) او باشد؛ از منظر قرآنی، انسان را به سوء یعنی (توهم، شر، زشتی و هبوط) دعوت می‌نماید. در مرحله سوم، روش و سبک معماری است. اگر در دو مرحله اول انسان دارای عالی‌ترین ایده‌ها و انگیزه‌ها باشد؛ اما اصول و شیوه‌های عملی او صحیح و منطقی نباشد؛ هرگز به مقصود نخواهد رسید و آثاری مناسب و مطلوب خلق نخواهد کرد. در مرحله چهارم، اثر

معماری در عالم طبیعت و با ماده و صورت‌های طبیعی خلق می‌شود و در مرحله پنجم این اثر بر مجموع مخاطبین اعم از (محیط طبیعی، اجتماعی و مخاطبین و خود معمار) تأثیراتی مثبت و یا منفی خواهد گذاشت. از منظر اسلامی، نخست آنکه مکاتب بشری با (عقل حسی و تجربی) قادر نیستند نیازهای روحی و غایت وجودی و تکاملی انسان‌ها را به صورت جامع و مانع تبیین و تشریح نمایند. دوم آنکه، سایر ادیان الهی غیر از اسلام نیز علی‌رغم وجوه مشترک با اسلام نسبت به وجود خالق در مقابل مکاتب الحادی، اما از طریق معتقدین به آن ادیان دچار نقص و تحریف شده‌اند. بنابراین مکتب اسلام، در منابع (قرآن مجید و سنت معصومین(س)) تنها دین الهی است که دچار نقص و تحریف نشده و می‌تواند معیار و مبنای ارزیابی (اعتقادات، احکام، اخلاق و آثار)^۲ قرار گیرد. از منظر اسلامی همه انسان‌ها از بعد روحی یک نوع بوده‌اند؛ و همه به صورت بالقوه واجد (روح الهی) هستند؛ و سیر تکاملی و غایت وجودی همه آنها دارای یک جهت و غایت مشترک است (صراط مستقیم)^۳.



نمودار ۱. ساختار و مراحل پنجگانه در خلق آثار هنری و معماری

صلیبی، مبتنی بر نظریه فوق و منابع و مبانی اسلامی که فرازمانی و فرامکانی است؛ پرداخته شده است.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر بنیادی است؛ و روش تحقیق این پژوهش اسنادی و مبتنی بر منابع اولیه و ثانویه معتبر و مبانی مستدل اسلامی (تحلیلی و تفسیری) و نیز اناجیل چهارگانه و متون متقدم مسیحی است.

۳. مفهوم عبادت از منظر اسلامی

مسئله نیایش و عبادت از دیدگاه اسلامی، عملی هم‌ردیف سایر اعمال انسان نیست. بلکه هدف از خلقت انسان تلقی می‌شود.^۴ مفهوم پرستش و به‌طور کلی سیر متعالی انسان در اسلام با سه قیام و تعهد کلی او تبیین می‌شود که عبارتند

با توجه به نظریه فوق و منابع و مبانی مطرح‌شده ملاحظه می‌شود که اگر مفهوم و ایده (نیایش) در مکتبی نامناسب، نامطلوب، غیرحقیقی و غیرواقعی تعریف شود؛ مستقیم روی (انگیزه‌ها)، عملکردها، رفتارها و سلوک مذهبی معتقدین به آن دین تأثیر گذاشته و با اتخاذ روش‌های نامناسب و نامطلوب، در نهایت کالبدی که برای (نیایشگاه) خلق می‌شود؛ برای نیایش واقعی و تکامل و تعالی انسان‌ها، نامناسب و نامطلوب خواهد بود. به‌طور کلی (ایده‌های توهمی)، در موضوع نیایش، موجب رفتارها و روش‌های نامناسب در سلوک و عملکردهای دینی می‌شود؛ و در نتیجه کالبدی ناموجه و نامطلوب برای نیایشگاه ایجاد خواهد شد. در این مقاله، به ارزیابی فرآیند خلق کلیساهای





مسیح به عنوان بخشی از یک مسیر فیض برای نجات بشر). البته در دوره های بعدی تثلیث تقدیری به سمت تثلیث درونی به معنای توجه به طبیعت درونی خود خداوند متوجه می شود. درباره روح القدس (برخلاف مسیح) تاکید چندانی بر جدا بودن ماهیت او وجود ندارد و بیشتر از جنس موهبت و فیض است که خداوند بر انسان می ریزد. اما مهم ترین جمله ای که روح القدس را به عنوان یک حقیقت جدا به ادبیات تثلیث وارد می کند؛ این جمله از انجیل متی است: «پس بروید و همه ملت ها را شاگرد من سازید و آن ها را به نام پدر، پسر، روح القدس تعمید دهید»^۷. قرآن به شدت تثلیث را انکار می کند^۸ و در سوره توحید اعلام می دارد که خدا یگانه، یکتا و بی نیاز است؛ و نه می زاید که دارای پسر باشد؛ و نه زائیده شده که بگوییم خدای پسر از خدای پدر زائیده شده است و او همتایی ندارد (محمد رضایی ۱۳۸۶، ۲۹-۳۰).

۳-۱-۲. انسان شناسی

در زمان حضرت مسیح کلیسای ساخته نشد چون مسیحیت مذهبی زیرزمینی بود. زمانی که دین مسیحیت رسمی شد و آن انحراف تاریخی در مفهوم رابطه دین با حکومت به وجود آمد؛ علاوه بر آنکه دین از حکومت و سیاست جدا شد؛ دین از دنیا نیز جدا شد. در نتیجه طبقه بندی قدیسی و غیرقدیس و کشیش و غیرکشیش به وجود آمد (عملاً بازگشت به تحجر یونانی و تبدیل عبادتگاه به دو قسمت محراب قدیسین و محل مردم عادی). همین اعوجاج در نوع نگاه مسیحیت به رابطه انسان با مردم موجب تفکیک رسمی انسان ها و ایجاد سلسله مراتب سخت روحانیت در مسیحیت شده است. در مسیحیت بریدن از جامعه و اتخاذ رویکرد رهبانیت تقدیس می شود؛ حال آن که در اسلام همه انسان ها می توانند در همین زندگی اجتماعی به عرفان برسند و تأکید بر کنترل دنیاست نه ترک آن. اسلام (برخلاف مسیحیت) همه انسان ها را بالقوه واجد روح الهی می داند؛ و هر انسانی که ۴۰ روز از گناه دوری کند را سرچشمه حکمت می داند (محمدی ری شهری ۱۳۸۴، ۶۶). تفاوت نگاه به رابطه انسان با مردم هم خود را در قالب جدایی قدیس و غیرقدیس در همه سطوح نشان می دهد.

از خودسازی، جامعه سازی، و امام شناسی یا به تعبیری «سیر در آفاق» و «سیر در انفس» یا «حرکت عرضی» و «حرکت جوهری» با هدایت و رهبری انسان کامل. به عبارت دیگر در جهان بینی اسلامی رابطه چهارگانه انسان با خدا، انسان با خودش، انسان با جامعه و انسان با طبیعت مطرح می شود.

۳-۱. ارزیابی مفهوم عبادت از منظر مسیحیان (کاتولیک) و نقد آنها از منظر اسلامی

تفاوت گسترده در نوع نگاه اسلام و مسیحیت به رابطه چهارگانه انسان با خدا، انسان با خودش، انسان با جامعه، و انسان با طبیعت، خود اثر ویژه ای بر نوع معماری مسجد و کلیسا داشته است؛ زیرا سرمنشأ همه صورت ها، معنا و محتواست که خود برگرفته از دانش و بینش جاری در هر مکتب است. وقتی معنا اشکال پیدا می کند؛ قطعاً رفتار، مناسک و در نهایت کالبد و صورت هم اشکال پیدا می کند. بنابراین انحرافات اعتقادی مقدمه انحرافات رفتاری (عملکردی) و انحرافات رفتاری مقدمه انحرافات کالبدی در عناصر معماری کلیساها است. لذا در این بخش به بررسی تطبیقی از انحرافات اعتقادی مسیحیان کاتولیک از منظر اسلامی و تأثیرات آن بر مناسک عبادی و کالبد کلیساهای صلیبی پرداخته شده است.

۳-۳-۱. خداشناسی

مسیحیان بر این باورند که هر چند نمی توان اشاره صریحی به اصل تثلیث (پدر، پسر، روح القدس) در عهدین یافت؛ ولی ریشه این باور در عهد جدید و اعتقادات مسیحیان نخستین وجود داشته است؛ و آنچه بعدتر توسط شوراها و عام کلیسای مصوب شده؛ صرفاً صورت بندی جزم اندیشانه همان اعتقادات اولیه است.

در انجیل عیسی با القاب استاد، پیامبر و مانند آن خوانده می شد ولی مواردی (تحریف شده) در آیات انجیل او را پسر خدا می خواند؛ هرچند عیسی (ع) بارها در آیات متعدد خود را پسر انسان خوانده است. در انجیل چهارم یا انجیل یوحنا عیسی با کلمه ازلی یکی انگاشته شده است؛ چنان که عبارت کلمه متجسد^۹ برای او به کار می رود. با این همه مرور و سیر اناجیل نشان می دهد نگاه حواریون مبتنی بر تثلیث تقدیری بوده است؛ نه تثلیث درونی (یعنی دیدن



مسیحیت مسئله شفاعت است. در این نگاه حضرت عیسی شهید شد تا گناهان ما بخشیده شود؛ و هر جنایتی در طول هفته با توبه آخر هفته بخشیده خواهد شد.^{۱۰} حال آن که در اسلام شفاعت فقط به اذن خدا^{۱۱} و مربوط به قیامت است نه دنیا؛ و حق الناس نیز باید جبران شود و با توبه به درگاه خدا نمی‌توان آن را پاک کرد.

محراب جدا، ورودی متفاوت و حتی جایگاه تماشای متفاوت در کلیسا از همین زاویه قابل تحلیل است. حال آن که در اسلام محراب نه جایگاهی خاص، بلکه صرفاً یک سنگ نشان به سمت قبله است.

۴. تأثیر مفاهیم تحریف‌شده عبادی بر نوع عملکردهای کلیسا

۴-۱. شفاعت

یکی از مفاهیم غلط در نوع رابطه انسان با خدا در نگاه

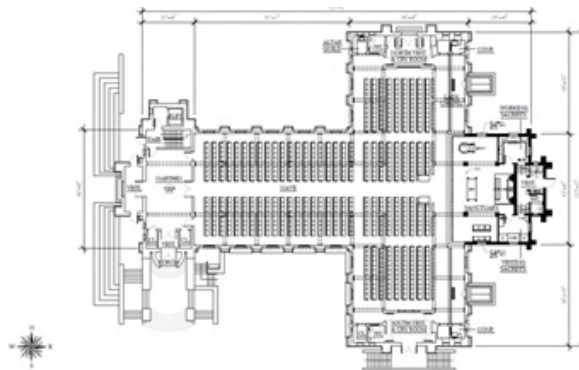
جدول ۱. بررسی تطبیقی دیدگاه اعتقادی مسیحیان کاتولیک با دیدگاه اسلامی

موضوع اعتقادی	دیدگاه اعتقادی مسیحیان	دیدگاه اسلامی
خداشناسی	مسئله تثلیث و اقانیم ثلاثه خدای پسر از خدای پدر زاییده شده است.	توحید: خدا یگانه، یکتا و بی نیاز است و نه می زاید و نه زاییده می شود و او همتایی ندارد
انسان‌شناسی	طبقه‌بندی و تفکیک رسمی انسان‌ها به قدیس و غیرقدیس و کشیش و غیرکشیش تقدیس بریدن از جامعه و اتخاذ رویکرد رهبانیت	همه انسان‌ها بالقوه واجد روح الهی و قدیس بالقوه هستند انسانی که ۴۰ روز گناه نکند سرچشمه حکمت می‌شود.

مرگ مسیح انسان را از مرگ روحانی به حیات روحانی و از قدرت گناه به قدرت خدا و از تسلط شیطان به حاکمیت خدا و ارتباط شخصی و تازه با او وارد کرد؛ و از اسارت و مجازات گناه آزاد ساخت. چون آدم با گناه باعث مرگ عده زیادی شد؛ ولی مسیح از روی لطف عظیم خدا باعث بخشش گناهان بسیاری گشت (طالب ۱۳۸۳). آدم با اولین گناه خود باعث شد عده بسیاری محکوم به مرگ شوند؛ در حالی که مسیح گناهان بشر را به رایگان پاک می‌کند و باعث می‌شود که خدا عده بسیاری را بی‌گناه بشناسد.^{۱۲}

۴-۲. توبه (اقرار در مسیحیت)

از دیدگاه مسیحیت، گناه نه فقط مرگ انسان، بلکه خشم و غضب همیشگی خداوند را به همراه دارد؛ و هیچ‌کس نمی‌تواند خدا را خشنود و راضی کند و انسان را با او آشتی دهد و هیچ‌کس شایسته این نیست که بتواند برای گناهان تمام مردم و یا حتی برای گناه خودش کفاره دهد. از این‌رو خدا به وسیله مرگ مسیح، کیفر تمام کسانی را که به عیسی ایمان آوردند؛ پرداخته است؛ و مرگ عیسی بر صلیب هم باعث آمرزش گناهان بشر و خشنودی کامل خداوند و مصالحه و آشتی او با بشریت گردید.



تصویر ۱. نماد صلیب در پلان کلیساها حتی نماد از صورت به صورت هم نیست؛ چون دیده نمی‌شود.

(مأخذ: <http://doublespeakshow.com>)



مسیحیت شناخته می‌شود. تقریباً تمام فرقه‌های مسیحیت از غسل تعمید به‌عنوان یکی از ارکان ضروری دین یاد کرده‌اند. بسته به فرقه مسیحی باید یا در کودکی یا پس از رسیدن به سن تمیز غسل تعمید انجام شود. برگزاری غسل تعمید توسط کشیش یکی از وجوه رابطه انسان عادی با مقام روحانی نیز هست. چنانکه حضرت مسیح می‌گوید: «پس بروید همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب، ابن و روح القدس تعمید دهید»^{۱۷}.

کلیسای کاتولیک تعمید را یکی از شعائر هفتگانه می‌داند که انجام آن در نجات و تقدیس انسان موثر است^{۱۸}. در اعتقاد کاتولیک با تعمید انسان از بار گناه نخستین آزاد می‌شود و عضوی از بدن مسیح می‌گردد (واندر وات^{۱۹}، ۲۰۰۵، ۱۸۱). در کلیسای کاتولیک تعمید کودکان توصیه می‌شود. آنها معتقدند تمام کودکان گناهکار به دنیا آمده‌اند و بار گناه نخستین بر دوش آنهاست. فلذا باید دوباره با تعمید بی‌گناه به دنیا آیند. الهی‌دانان کاتولیک درباره اینکه اگر کودکی قبل از تعمید بمیرد به بهشت می‌رود یا نه اختلاف نظر دارند. در رساله کتکیزم (مرجع الهیات کاتولیک) اظهار می‌دارد (التعلیم المسیحی للکنیسه الکاتولیکه ۱۹۹۹، ۳۸۶): «تنها باید امیدوار بود و دعا کرد که رحمت خدا شامل حالشان شود و آنان نیز بتوانند نجات یابند». در کلیسای کاتولیک غسل تعمید یعنی ریختن آب بر سر شخص هر چند که در کلیساهای دیگر روش‌های متفاوتی مانند فرو رفتن در آب یا رفتن در آب‌های طبیعی هم وجود دارد. در این کلیسا این عمل با سه بار ریختن آب به سر شخص یا پاشیدن به بدن او محقق می‌شود.

بر خلاف اسلام که انسان را در هنگام تولد پاک و آزاد می‌داند؛ مسیحیت انسان را چنان بصورت فطری گناهکار و مقید می‌داند که حتی کودک قبل از سن تمیزی را که در می‌گذرد شایسته عقاب و دورمانده از بهشت می‌داند. جدا از آن که چگونه یک غسل بدون جبران مافات می‌تواند باعث بخشایش گناهان شود و چه نشانی از رشد و آموختن در این مراسم است.

۴-۴. عشاء ربانی

یکی دیگر از شعائر اصلی دین مسیح بخصوص در آیین

همچنین یکی دیگر از راه‌های توبه در مسیحیت، اعتراف نزد کشیش و بخشش توسط او می‌باشد. در این راه شخص گناهکار، سه مرحله را انجام می‌دهد. نزد کشیش می‌رود (مرحله اول)؛ و بدون چشم‌داشت تمام گناهانی که انجام داده را به کشیش می‌گوید (مرحله دوم)؛ و سپس کشیش، با قرار دادن فدیة و کفاره، گناهان او را می‌بخشد (مرحله سوم)؛ و این گونه شخص گناه‌کار بخشیده می‌شود. اما زمانی که این سه مرحله با ادبیات اسلامی سنجیده شود؛ نتیجه‌ای متفاوت حاصل می‌شود. مرحله اول مورد تأیید اسلام است. حضور نزد بزرگان، به‌ویژه انبیا و اولیای الهی جهت استغفار و توبه، در قرآن به صراحت آمده است: «و اگر آنان هنگامی که به خویش ستم روا داشتند نزد تو می‌آمدند»^{۱۴}. اما مرحله دوم و سوم مورد تأیید اسلام نیست؛ و علاوه بر آنکه موجب ثواب و بخشیده شدن گناهان نمی‌شود؛ خود، گناهی دیگر است. در اسلام، اعتراف به مصادیق گناه نزد هر شخصی که باشد حرام است و انسان نباید گناهان خود را نزد غیر خداوند ذکر کند^{۱۴}.

مسلمانان معتقدند که خدا در قلب انسان^{۱۵} (مجلسی، جلد ۷۰ بحارالانوار، ۲۵) و از رگ گردن به او نزدیکتر^{۱۶} است. همین حقیقت در اسلام باعث می‌شود واسطه تراشی بین خدا و انسان شرک باشد بنابراین اعتراف نزد هر انسان دیگر (اگر چه کشیش) گناه شمرده شود. چنین رویکردی در اسلام به رابطه انسان به خود چنان تعالی می‌بخشد که هرگز در مسیحیت دست‌یافتنی نیست؛ و اعتراف نزد مردم با خشوع در مقابل خداوند جایگزین شده است. این تفاوت در حکمت مسیحی و اسلام اثری قاطع بر معماری دارد. صلیب (وسیله شکنجه عیسی مسیح) به الهام‌بخش پرستشگاه بدل می‌شود؛ و با تحمیل خود به بافت به جبر نمود عمودی را به صورت افقی روی پلان پیاده می‌کند که خروجی هندسی بسیار نامناسبی را می‌آفریند. استفاده از صلیب، بدین صورت در پلان، مفهوم خاص و مناسبی را در بر ندارد؛ و بر فرض داشتن، صلیب مفروض چه از درون و چه از بیرون احساس نمی‌شود.

۳-۴. غسل تعمید

غسل تعمید آیینی است که به‌عنوان دروازه ورود به دین





لاتران به عنوان یکی از مهم ترین اصول دین تصویب شد که هر ذره نان هر چقدر کوچک حاوی تمام جسم عیسی است. کاتولیک ها در عشاء ربانی که توسط کشیش برگزار می شود؛ صفحاتی از انجیل را می خوانند و هم نان و شراب می خورند. کاتولیک ها معتقدند عشاء ربانی قلب عبادت روزانه است و به همین خاطر هر روز آن را بجا می آورند (زیبایی نژاد ۱۳۸۲).

تصور تجسم جسمانی مسیح در نان و شراب بسیار شبیه به تصورات اقوام بدوی از خوردن خداست و آنچه در مراسم خوانده می شود؛ ادامه روایت غلط مسیح به عنوان پسر خداست. در مجموع تصورات عجیب و غیرعقلانی درباره تجسم جسمانی مسیح در این مراسم بارها مورد انتقاد متکلمان مسیحی و غیرمسیحی بوده است. همچنین اسلام استفاده از شراب را در قرآن ممنوع اعلام کرده است؛ و تبدیل ماده به جسم حضرت مسیح نگاهی نادرست و باوری غلط تلقی می شود.

کاتولیک عشاء ربانی است که نان و شراب از ارکان آن هستند. این عمل نماد حلول تجسد الهی فرض می شود. مسیحیان هنگامی که در این مراسم شرکت می کنند باور دارند که مسیح با جسم خود نزد آنان حاضر می شود. در اناجیل، مسیح در آخرین شب حیات خود که شب عید فصح بود به اتفاق شاگردان شام آخر را صرف کردند. این همان شامی است که مسیح در آن رو به شاگردان گفت «هر آینه به شما می گویم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد» و «بعد از این میوه دیگر نخواهم نوشید تا روزی که در ملکوت با پدر خود تازه آشامم»^{۲۰} مسیحیان باور دارند مسیح در این مراسم با جسم خود حاضر است؛ و همان طور که عهد قدیم با قوم یهود توسط خون قربانیان در کوه سینا استوار شد این عهد جدید هم با خون عیسی محکم شده است (توماس ۱۳۷۷).

درباره این که آیا واقعاً خون و جسم مسیح در نان و شراب به صورت جسمانی متجلی می شود؛ سال ها بین متکلمان کاتولیک منازعه بوده است. سرانجام در چهارمین شورای



تصویر ۲. شام آخر (Last Supper) منشأ آیین «عشاء ربانی» (شام خداوندی) در میان مسیحیان است؛ و به طور ویژه به وعده شامی در باغ جتسیمانی، اطلاق می گردد که عیسی (ع) در شبی که یهودا او را تسلیم کرد؛ به عنوان آخرین «غذای زمینی» خورد.

۴-۵. مفهوم عبادتگاه

تولد انسان کامل (امام علی (ع)) است. با اینکه مسیحیت نزدیک ترین دین به اسلام است؛ مفاهیم کاملاً قلب شده است. مسجد عبادت را هدف خلقت و سنگ بنای مسیر خودسازی می داند؛ و به عدالت، ایمان و عمل صالح را

نماد صلیب در پلان و حجم کلیسا، نماد قتل انسان کامل (عیسی مسیح (ع)) است در حالی که نماد خانه کعبه به عنوان سلول بنیادی در طراحی شبستان های مساجد اصیل، نماد





انسان کامل است. در مسجد برای تقویت ایمان (منبر و سخنرانی) و برای عمل صالح (محراب و نماز) در کنار هم هستند؛ اما در کلیسا عملاً فقط با یک سالن سخنرانی مواجه هستیم نه جایگاه نماز.

گرمی می‌دارد؛ اما در پرستشگاه حکمت مسیحی هرگز چنین توازنی برقرار نیست. محراب در کلیسا یک صحنه وسیع و فضای کالبدی و در مساجد فقط یک جهت و یک خط (گاهی حتی یک چوب) به سمت فضای لایتناهی و

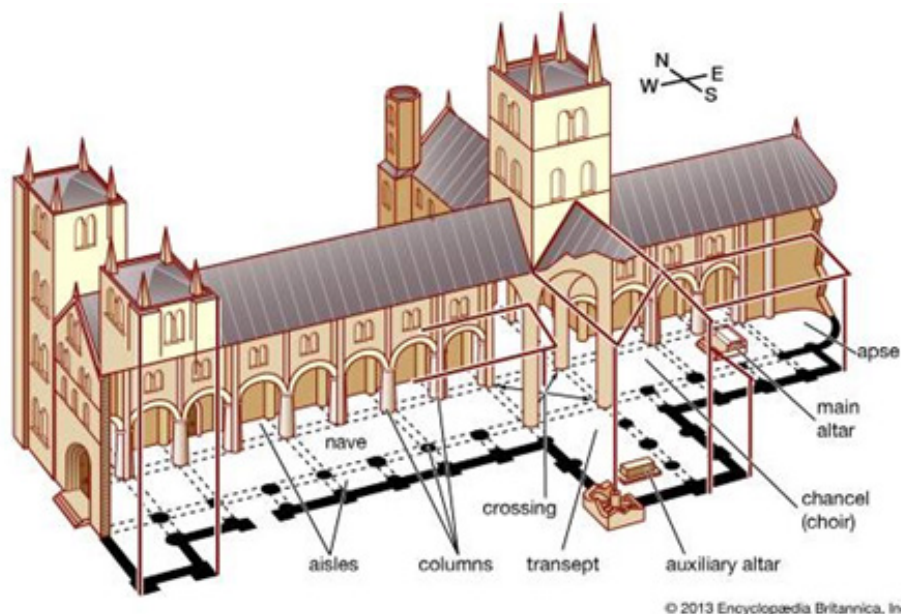


تصویر ۳. کلیسای کاتدرال نوتردام پاریس، فرانسه، ۱۲۵۰-۱۱۶۳ میلادی
در درب اصلی سمت غربی کلیسا، شمایل‌گذاری به یکی از بالاترین مراتب شکوه خود رسیده است (لینگز ۱۳۷۵)

جدول ۲. بررسی تطبیقی از انحرافات رفتاری و عملکردی مسیحیان کاتولیک با دیدگاه اسلامی

موضوع رفتاری	دیدگاه رفتاری مسیحیان کاتولیک	دیدگاه اسلامی
رابطه انسان با خدا (مسئله شفاعت)	حضرت عیسی شهید شد تا گناهان انسان‌ها بخشیده شود. هر جنایتی در طول هفته با توبه آخر هفته بخشیده خواهد شد.	شفاعت فقط به‌آن خدا ^{۳۳} و مربوط به قیامت است؛ نه دنیا. حق الناس باید جبران شود و با توبه به درگاه خدا نمی‌توان آن را پاک کرد.
اقرار به گناه (توبه)	مرگ عیسی بر صلیب باعث آمرزش گناهان بشر و خشنودی کامل خداوند و مصالحه و آشتی او با بشریت گردید؛ و انسان را از مرگ روحانی به حیات روحانی و از قدرت گناه به قدرت خدا و از تسلط شیطان به حاکمیت خداوند و ارتباط شخصی و تازه با او وارد کرد؛ و از اسارت و مجازات گناه آزاد ساخت. اعتراف نزد کشیش و بخشش توسط او می‌باشد. گناه‌کار نزد کشیش به گناهان خود اعتراف می‌کند؛ و کشیش، با قرار دادن فدیّه و کفاره، گناهان او را می‌بخشد و گناه‌کار بخشیده می‌شود.	خدا در قلب انسان ^{۳۴} و از رگ گردن به‌او نزدیکتر ^{۳۳} است. بخشیدن تنها نزد خدا و واسطه تراشی بین خدا و انسان شرک و اعتراف نزد هر انسانی گناه است. مسلمان باید اعتبار و آبرویش را نگه دارد. طبق فرمایش امام علی(ع) توبه بر چهار پایه استوار است: پشیمانی با قلب، طلب آمرزش با زبان، عمل به‌وسیله اعضا و جوارح، اراده و تصمیم جدی بر عدم بازگشت گناه و آلودگی گذشته ^{۳۴} . تعالی رابطه انسان با خودش جایگزینی اعتراف نزد مردم با خشوع مقابل خدا
لزوم غسل تعمید	ریشه در نظریه گناه نخستین دارد. انسان به‌صورت فطری گناهکار و مقید است. حتی کودک قبل از سن تمیز شایسته عقاب، دورمانده از بهشت است. پاک و مطهر شدن نفس انسان از گناه اولیه با غسل تعمید در واقع غسل تعمید، خروج از آلودگی نخستین و ورود به پاکی است (شاهراه ورود به پاکی) کسی که آیین مسیحیت را می‌پزد؛ زرد باید از این مرحله عبور کند تا بتوان نام مسیحی بر وی گذاشت (عدم تعمید مساوی است با عدم ورود به آیین مسیحیت)	انسان در هنگام تولد پاک و آزاد است. هیچ عملی (حتی یک غسل) بدون جبران مافات نمی‌تواند باعث بخشایش گناهان شود. برای مسلمان شدن، اقرار به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر و در تشیع اقرار به امامت نیز نیاز است. غسل تعمید مخالف اعتقادات اسلامی است؛ زیرا هیچ نشانی از رشد و آموختن در این مراسم نیست لذا این شیوه توبه مورد قبول نمی‌باشد.

اسلام خوردن شراب را در قرآن به صورت کلی ممنوع اعلام کرده است. تبدیل ماده به جسم حضرت مسیح از نگاه مسلمانان کاملاً بی معنا است؛ و نگاهی نادرست و باوری غلط تلقی می شود.	از شعائر هفتگانه دین مسیح بخصوص در آیین کاتولیک عشاء ربانی است. نان و شراب از ارکان عشاء ربانی هستند. مسیحیان هنگامی که در این مراسم شرکت می کنند؛ باور دارند که مسیح با جسم خود نزد آنان حاضر می شود. این عمل نماد حلول تجسد الهی فرض می شود؛ توسط کشیش برگزار می شود؛ اول خواندن صفحاتی از انجیل و بعد خوردن نان و شراب. کاتولیک ها معتقدند عشاء ربانی قلب عبادت روزانه است و هر روز آن را به جا می آورند	عشاء ربانی
نماد خانه کعبه در طراحی شبستان های مساجد، نماد تولد انسان کامل است. مسجد عبادت را هدف خلقت و سنگ بنای مسیر خودسازی می داند؛ و به عدالت هر دو جز ایمان (منبر و سخنرانی) و عمل صالح (محراب و نماز) را گرمی می دارد. محراب در مساجد فقط یک جهت و یک خط (گاهی حتی یک چوب) به سمت فضای لایتناهی و انسان کامل است.	نماد صلیب در پلان و حجم کلیساها، نماد قتل انسان کامل است. محراب کلیسا یک صحنه وسیع و فضای کالبدی است که انسان ها را به طبقه قدیس و غیر قدیس (کشیش و غیر کشیش) جدا می کند. در کلیسا عملاً فقط با یک سالن سخنرانی مواجه هستیم؛ نه جایگاه نماز.	مفهوم عبادتگاه



© 2013 Encyclopaedia Britannica, Inc.

تصویر ۴. کلیسای صلیبی، پاهایش غرب و سرش شرق، بازوهای گشوده اش جناح شمالی جنوبی و قلبش محراب است. در واقع در کلیسا هدف نهایی از ورود، رسیدن به آن، محراب است تا چار دیواری کلیسا (مأخذ: لینگز ۱۳۷۵: <https://cdn.britannica.com/34/7534-050-5610493D/cathedral-plan.jpg>)



در بین آن‌ها تشکیل شده است؛ عملاً عبادت‌کنندگان را در حالت منفعل و تماشاچی نسبت به صحنه محراب قرار می‌دهد. گسترش سالن اجتماعات، به دلیل شکل از قبل تحمیل شده و قرینه صلیب، انعطاف‌ناپذیر بوده و توسعه نیایشگاه را کاملاً محدود می‌کند. همچنین شاکله فضایی و هندسی در همه کلیساهای صلیبی، غیرمتنوع، یکنواخت و تکراری است؛ حداکثر مقیاس‌ها تغییر یافته و رواق‌ها از سه یا پنج ردیف طولی تشکیل شده است. در واقع کلیسا اجتماعی است که در آن خدا عمل می‌کند؛ و چون خدا کامل است پس، کلیسا تقارن کامل دارد (اصل کمال و تقارن کلیسا) در حالی که در حکمت اسلامی هر چیز در جای متناسب خودش و در یک جریان قانونمند مناسب قرار گرفته است (اصل عدالت) (بمانیان ۱۳۸۷). در حکمت اسلامی عبادتگاه محل سیر و سیورورت انسان‌های عابد می‌باشد و انسان عمل عبادت را انجام می‌دهد و خداوند ناظر است.

از دید حکمت مسیحی، فضای داخلی کلیسا جایی برای تعالی و خروج روح انسان مؤمن است و هر پدیده‌ای که مانع از این خروج و تفکر شود مذموم است. از این باب جهان مادی به خودی خود حجاب و مانع فرض می‌شود (اصل حرکت از کثرت به وحدت در مکان قدسی) (بوش ۱۳۷۸، ۲۶۲). اما در اسلام حیات مادی نه مانع بلکه بستر حیات معنوی است. بنابراین باید هندسه سیر آفاقی (انسان و نقطه دید متحرک) بستر هندسه سیر انفسی (انسان و نقطه دید ثابت) را فراهم کند (اصل حرکت از کثرت به وحدت، از برون به درون) (نصر ۱۳۷۵، ۸۷).

شاکله مربع مستطیل، فقط مناسب شنیدن سخنرانی و موعظه و دیدن سخنران است؛ اما برای حضور قلب و تمرکز درونی انسان که حقیقت جوهری و معنوی عبادت می‌باشد؛ مناسب نیست (انسان در حالت اول منفعل و در حالت دوم فعال است). همچنین از آنجا که محور دید نیایشگران به سوی تریبون سخنرانی و کشیشانی است که در حال انجام مراسم می‌باشند؛ بنابراین نیایشگر خود را قهرمان داستان نیایش نمی‌یابد و به‌عنوان یک تماشاچی در صحنه حضور دارد؛ درحالی‌که عبادت حقیقی یک اتصال درونی و بدون واسطه، عبد با معبود یکتاست.

۵. تأثیر مفاهیم تحریف‌شده عبادی بر عناصر کالبدی

کلیسا

از زاویه حکمت مسیحی، می‌توان گفت تمثال مسیح نقطه اصلی تمرکز است. مطابق با جمله مسیح که به سن کاترین گفته است: «تو آنی که نیستی؛ من آنم که هستم». از زاویه حکمت مسیحی، کلیسا تصویر مسیح را منعکس می‌کند که طبیعت الهی او دومین شخص تثلیث است. به عبارت دیگر کلیسا تبلور منجی در سنگ است. از آنجا که یکی از نمادهای این نور جهان خورشید است؛ موقعیت ساختمان جایی تعیین شده است که خورشید در نقطه اعتدالین طلوع می‌کند. بنابراین از آنجا که اعتدال بهار با عید پاک یا همان عید قیام مسیح پس از مرگ فاصله اندکی دارد؛ از آن جهت ساخت ساختمان هم معنای زمانی، و هم مکانی دارد. شکل صلیبی بنا در کل، جسم رستگاری بخش را نشان می‌دهد. جادیواری قرار گرفته در طرف غربی، دلالت بر ماندگاری و حضور الهی در عمق درونی وجود انسان دارد. شبیه به همین جادیواری در انتهای شرقی شبستان کلیسای سبک رمانسک هم هست؛ که به‌وسیله آن تمام بنا به شکل شماتیک یک غار تبدیل می‌شود. بنا بر یک حدیث معروف محل تولد مسیح در غار بوده است؛ و این امر خود استعاره‌ای از دنیای ظلمانی به مثابه قلب است. در این معنا هر غاری مقدس است و جادیواری تصویری از غار است و در حکمت مسیحی نمادی از جهان درونگرایی عالم اصغر می‌باشد (لینگز ۱۳۷۵).

۵-۱. ویژگی معماری کلیسای صلیبی از بعد ایده‌های فضایی-هندسی

در حکمت مسیحی کلیسا واحد می‌باشد؛ زیرا توسط روح القدس در عیسی جمع شده و به سوی پدر گام بر می‌دارد (اصل وحدانیت و حاکمیت کلیسا) (بمانیان ۱۳۸۷)؛ درحالی‌که در حکمت اسلامی همه انواع هندسه‌ها و فضاها از منظر وجودی زیبا، خیر و حق می‌باشند و ابتدا ارزش‌گذاری نمی‌شوند (اصل ارزش‌گذاری یکسان فضاها) (کربن ۱۳۷۳، ۱۴۵)؛ و در عمل هندسه‌ها سیری از کثرت و بی‌نظمی به وحدت و نظم دارند. نقشه کلیساهای صلیبی، شامل دو بخش سالن اجتماعات و فضای انجام مراسم عبادی توسط کشیشان می‌باشد. سالن اجتماعات که اغلب از دو رواق و یک فضای مستطیل شکل





تصویر ۶: کلیسای سنت میشل بروکسل. فضای مکعب مستطیل سالن اجتماعات (محل حضور مخاطبین)، فضایی مستقل و درونگرا نیست؛ و وابسته به فضای محراب و به‌عنوان یک فضای فرعی و وابسته تلقی می‌شود.
(مأخذ: نگارنده)

(غیرکشیش و غیرروحانی) تقسیم شده‌اند. ورودی کشیشان از دربی واقع در سر صلیب و محوطه محراب است (نقره‌کار ۱۳۹۵)؛ و ورودی (مدخل اصلی کلیسا) انسان‌های معمولی از دم صلیب و انتهای سالن اجتماعات در جهت غربی است که از نظر (لینگز ۱۳۷۵) بدان معناست که باید برای ورود به کلیسا به دنیا پشت کرد. شکل معماری مدخل کلیسا به دلیل اینکه دو عضو مقدس (درب ورودی و جادیواری) را در خود جا داده به‌خودی‌خود خلاصه ساختمان مقدس از زاویه حکمت مسیحی است. در حالی که از منظر اسلامی، درب‌ها فقط وسیله‌ای در خدمت انسان‌های مؤمن هستند و تقدس مربوط به (روح الهی) انسان‌هاست؛ و نه عناصر فیزیکی.



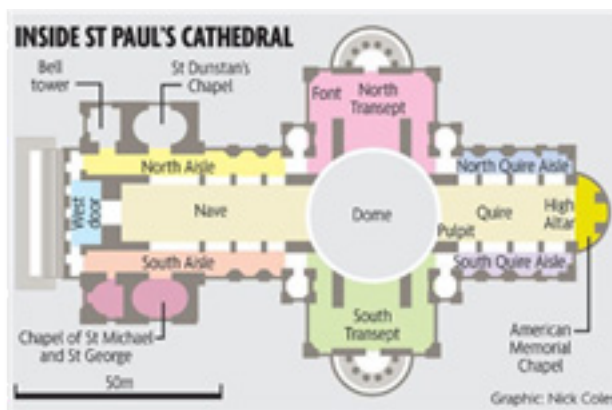
تصویر ۵: کلیسای سنت ژوزف. محل نشستن نیایشگران به دلیل نسبتی که با مکان فیزیکی محراب دارد؛ یکنواخت و هماهنگ نیست. یعنی نسبت به جلو یا عقب بودن و یا در محور اصلی یا در حاشیه‌ها بودن احساس تبعیض و چندگانگی ایجاد می‌شود.
(مأخذ: www.stignatiusmobile.org)

«در حکمت مسیحیت کلیسا دارای یک کانون برای تشریفات عشا‌ی ربانی است که همان محراب است که همه چیز به سمت آن رو دارد» (نصر ۱۳۷۵، ۳۲). (اصل تقدم محور طولی نسبت به محور عرضی). «در حالی که در مسجد کانون‌های مقدس در قلب کلیه مؤمنین است که در نیایشگاه حضور یافته‌اند (خدا در قلب مؤمن و از رگ گردن به او نزدیک‌تر است)؛ و محراب تنها برای نشان دادن قبله و حفظ امام جماعت است. همچنین صف هنگام نماز عرضی است» (بورکهارت ۱۳۶۹، ۳۲) (اصل تقدم محور عرضی نسبت به محور طولی).

جدا شدن فضای محراب از سالن اجتماعات در کلیساها، بسیار نامناسب است؛ زیرا تأکید بر دوگانگی انسان‌ها به‌عنوان (کشیش و غیرکشیش) می‌باشد. درحالی‌که خداوند فطرتاً آن‌ها را یگانه و از یک نوع آفریده است. عدم تفکیک بانوان و آقایان در سالن نیز مزاحم سیر از آفاق (ادراکات حسی - غریزی) به سیر در انفس (ادراکات عقلی - روحانی) نیایشگران می‌باشد.

ورودی‌ها به کلیسا، طبقاتی است؛ یعنی انسان‌ها به دو گروه قدیسین (کشیشان و روحانیون) و انسان‌های معمولی





تصویر ۷. کلیسای کتدرال سنت پاول، لندن، انگلستان، ۱۶۹۷
در کلیسای صلیبی، سلول فضایی و داخلی سالن اجتماعات، به طور کلی مکعب مستطیل است. این سلول نیایشگران را با دو کشش مکانی به سوی فضای دور از دسترس و قابل رویت محراب و از طرفی به سوی فضای مرتفع و کشیده سقف مواجه می نماید. بنابراین، استقلال، استقرار، سکون، درونگرایی، تمرکز و حضور قلب نیایشگران را مخدوش می کند (گنبدخانه نیز معمولاً در محل تقاطع دو بال صلیب با فضای محراب - که خارج از محل استقرار مخاطبین است - قرار دارد).



تصویر ۹. کلیسای پروتستان ها یا مسیحیان انجیلی، تبریز. تفاوت ورودی کشیشان از سر صلیب و محوطه محراب و انسان های معمولی از دم صلیب و انتهای سالن اجتماعات

تصویر ۸. کلیسای سورت گاراپت، آبادان.

جدول ۳. بررسی تطبیقی دیدگاه مسیحیت در معماری کلیسای صلیبی از بعد ایده های فضایی - هندسی با دیدگاه اسلامی

دیدگاه اسلامی	دیدگاه مسیحیت
همه انواع هندسه ها و فضاها از منظر وجودی زیبا، خیر و حق می باشند؛ و ابتدا ارزش گذاری نمی شوند (اصل ارزش گذاری یکسان فضاها). در عمل هندسه ها سیری از کثرت و بی نظمی به وحدت و نظم دارند.	کلیسا واحد می باشد؛ زیرا توسط روح القدس در عیسی جمع شده است و به سوی پدر گام برمی دارد (اصل وحدانیت و حاکمیت کلیسا).
عبادتگاه محل سیر و سیورورت انسان های عابد می باشد و انسان عمل عبادت را انجام می دهد و خداوند ناظر است.	قرارگیری عبادت کننده در حالت منفعل و تماشاچی نسبت به صحنه محراب شاکله فضایی و هندسی، غیر متنوع، یکنواخت و تکراری است و توسعه نیایشگاه را کاملاً محدود می کند.



هر چیز در جای متناسب خودش و در یک جریان قانونمند مناسب قرار گرفته است (اصل عدالت).	کلیسا اجتماعی است که در آن خدا عمل می‌کند؛ و چون خدا کامل است؛ پس کلیسا تقارن کامل دارد (اصل کمال و تقارن کلیسا).
حیات مادی نه مانع بلکه بستر حیات معنوی است؛ بنابراین باید هندسه سیر آفاقی (انسان و نقطه دید متحرک) بستر هندسه سیر انفسی (انسان و نقطه دید ثابت) را فراهم کند (اصل حرکت از کثرت به وحدت، از برون به درون).	فضای داخلی کلیسا جایی برای تعالی و عروج روح انسان مؤمن است و هر پدیده‌ای که مانع از این عروج و تفکر شود مذموم است. از این باب جهان مادی به خودی خود حجاب و مانع فرض می‌شود (اصل حرکت از کثرت به وحدت در مکان قدسی).
کانون‌های مقدس در قلب کلیه مؤمنین است که در نیایشگاه حضور یافته‌اند (خدا در قلب مؤمن و از رگ گردن به او نزدیکتر است). محراب تنها برای نشان دادن قبله و حفظ امام است که در پیشاپیش مومنان می‌ایستد. صف نماز عرضی است (اصل تقدم محور عرضی نسبت به محور طولی).	یک کانون برای تشریفات عشای ربانی که همان محراب باشد که همه چیز به سمت آن رو دارد (اصل تقدم محور طولی نسبت به محور عرضی).
خداوند فطرتاً همه انسان‌ها را یگانه و از یک نوع آفریده است.	جدا شدن فضای محراب از سالن اجتماعات در کلیساها، بسیار نامناسب است زیرا تأکید بر دوگانگی انسان‌ها به عنوان (کشیش و غیر کشیش) می‌باشد.
درب‌ها فقط وسیله‌ای در خدمت انسان‌های مؤمن هستند و تقدس مربوط به (روح الهی) انسان‌هاست و نه عناصر فیزیکی.	شکل معماری مدخل کلیسا به دلیل اینکه دو عضو مقدس (درب ورودی و جادیواری) را در خود جا داده به خودی خود خلاصه ساختمان مقدس از زاویه حکمت مسیحی است.



تصویر ۱۰. غرفه‌هایی که مسیحیان در حضور کشیش کلیسا، به گناهان خود اعتراف می‌کنند و از او طلب عفو و توبه می‌نمایند. در حالی که اولاً خدا در قلب مؤمن است و باید به او اعتراف و از او طلب توبه کرد؛ و بیان گناهان به دیگران، اشاعه فحشا و خود گناه است. ثانیاً مسیر توبه هر گناهی شرایط خود را دارد و باید توسط مرتکب گناه دقیقاً اقدام و تا رضایت طرف‌های مقابل و پذیرش خداوند متعال ادامه داشته باشد.





بارزترین مرجع شفاعت معرفی شده‌اند- در آخرین جمله وصیتشان قبل از شهادت می‌فرمایند: «آیا کسی هست مرا یاری کند؛ آیا کمک‌کننده‌ای هست که مرا کمک کند»^{۲۶} یعنی تنها کسانی شامل شفاعت معصومین (ع) در قیامت می‌شوند؛ که در عمل و در زندگانی دنیا، راه آن‌ها را رفته و در جهت اهداف آن‌ها قیام کرده باشد. ضمناً شفاعت فقط برای جبران کمبودها و نارسایی‌ها در ارتباط با خداوند است و شامل حق‌الناس نمی‌شود^{۲۷} (شیخ حر عاملی، جلد ۴، ۲). همچنین مفهوم صلیب از منظر مسیحیان به معنای وسیله‌ای که با آن به تعبیری پسر خدا و به تعبیری دیگر پیام‌آور معصوم الهی را به فجیع‌ترین شکل ممکن به قتل رسانده‌اند^{۲۸}؛ نسبتی با مفهوم نیایشگاه ندارد؛ زیرا نیایش و نیایشگاه قرار است انسان را به حیات جاودانی و تکامل وجودی برساند؛ نه آنکه او را نابود نماید. به‌علاوه نماد صلیب، کالبدی است ایستاده و عمود بر زمین و انتخاب آن برای پلان کلیسا، که کالبدی است موازی سطح زمین، حتی به‌عنوان یک نماد صورت به صورت نیز نامناسب است؛ و اصولاً بعد از ساخت نیز، توسط بیننده از خارج یا از داخل کلیسا، صورت آن قابل مشاهده و درک نیست. صلیب یک جسم و حجم توپُر است و انتخاب این حجم توپُر را برای یک فضای معماری، که اساس آن فضای خالی، برای حضور انسان‌هاست؛ کاملاً نامناسب و ناموجه می‌باشد.

۵-۲-۲. محراب در فرهنگ اسلامی و مسیحی

در فرهنگ اسلامی، محراب به مفهوم محل جنگ و مبارزه است؛ جنگ با نفس حیوانی در درون و جنگ با طغیان‌گران و حق‌ستیزان در بیرون. بنابراین محراب باید محل فعالیت و عمل آگاهانه و اختیاری انسان‌ها باشد. محرابی که در کلیساهای صلیبی، دیگران در آن سخنرانی و مراسم انجام دهند؛ برای افرادی که تماشاچی، شنونده، آمین‌گو و منفعل هستند؛ محل قیام بر علیه شیاطین درونی و بیرونی نمی‌تواند باشد.

۵-۲-۳. گنبد و منار مساجد و ناقوس کلیساها

در برخی کلیساهای صلیبی، از منظر بیرونی گنبدها دارای چندین بام گنبدی هستند و یگانه نیستند. بنابراین مفهوم وحدت، درونگرایی و یگانگی را که نماد خودسازی و سیر در

۵-۲. ویژگی معماری کلیسای صلیبی از بعد نمادپردازی (محدودیت‌های ناشی از طراحی صلیب‌گونه)

در حکمت مسیحی، نمادپردازی به صورت نمادگرایی تشبیهی و تخلیصی می‌باشد؛ یعنی از (صورت به صورت) و تسلط صورت بر معنا (اصل تسلط ماده و کالبد بر روح و مفهوم) (گاردنر ۱۳۷۹، ۳۶۸). در حالی که نمادگرایی حکمت اسلامی تجلی (معنا در صورت) است، مانند عالم طبیعت که همه عناصر طبیعی مظهر تجلیات صفات و اسماء‌الحسنی الهی و آیه و نشانه تلقی می‌شوند؛ و هر بیننده خردگرا از هر برگ سبزی، دفتری از آیات و صفات خدا را درک می‌کند همان طور که جناب سعدی به این مضمون اینگونه اشاره می‌کند:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفترست معرفت کردگار

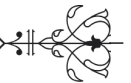
بنابراین، ظاهر طبیعت آیه و نشانه‌ای برای درک باطن و صفات خالق طبیعت می‌شود (اصل تعامل متناسب صورت با معنا) (بمانیان ۱۳۸۷).

نمادگرایی مبتنی بر تقدس صلیب، نماد تقلیدی از صورت به صورت است؛ درحالی‌که نمادگرایی باید محتوایی باشد؛ و برای بیننده پلی باشد از صورت به مفهوم و معنایی مشخص و بسترسازی سیر انسان از عالم حواس ظاهری به مفاهیم باطنی که حقیقت عبادت و سیر و سلوک تکاملی انسان است.

۵-۲-۱. موضوع شفاعت در اسلام و مسیحیت

به عقیده مسیحیان حضرت عیسی (ع) پسر خدا و یا پیام‌آور الهی، خونس ریخته می‌شود تا شفاعت و نجات انسان‌ها را بر عهده گیرد^{۲۵}؛ با این تعبیر صلیب نماد شفاعت و نجات انسان‌هاست. این عقیده از منظر اسلامی کاملاً ناموجه، غیرعقلانی و منحرفانه است؛ زیرا نخست آنکه حضرت مسیح (ع) عروج کرده و به قتل نرسیده است؛ دوم آنکه شفاعت مربوط به عالم قیامت است و نه این دنیا. در این دنیا هرکس متعهد و مسئول اعمال و رفتار خویش است. ضمن آنکه شفاعت شامل حق‌الناس نمی‌شود؛ و خداوند نیز حق‌الناس را نمی‌بخشد. در مکتب تشیع - که امام حسین (ع)





انفس بوده؛ خدشه‌دار می‌سازند.

همچنین ناقوس کلیسا به‌عنوان نماد ارتباط مردم و دعوت از آن‌ها برای شرکت در مراسم است. این دعوت از طریق صدای دو عنصر فلزی انجام می‌شود و حاصل هیچ پیام مشخصی جز صدای زنگ نیست و برای کسانی که به کلیسا نمی‌آیند؛ آگاهی و شناختی معنوی و اعتقادی صورت نمی‌گیرد و برای کسانی هم که این دعوت را پذیرفته‌اند؛ حاصل پیام و معرفتی نیست. درحالی‌که اذان، نخست آنکه با صدای انسان مؤمن - که عالی‌ترین موجود هستی است - مخاطبین را دعوت می‌نماید؛ و دوم آنکه جملات اذان، به‌طور خلاصه، چکیده و عصاره مکتب اسلام است که با وضوح و عمق، مخاطبین را به وصال حضرت حق و سیر و سلوک الهی دعوت می‌نماید.

۴-۲-۵. اهمیت ورودی‌ها نسبت به کالبد بنا

کم بها دادن به مقیاس ورودی در مقابل کالبد و نمای ساختمان و آرایه‌های آن از مجسمه‌ها و نقش برجسته‌های متنوع و متعدد، نماد اصالت بخشیدن به کالبد بنا و دنیای مادی و کم‌توجهی به انسان‌هایی است که از منظر اسلامی، همه جهان برای آن‌ها و آن‌ها برای سیرالی‌اله خلق شده‌اند و عالم مادی نسبت به آن‌ها پست‌ترین عالم وجود است.

۵-۲-۵. جایگاه عالمان دینی و سایر مؤمنین

جداکردن ورودی کشیشان، از سایرین، نماد تبعیض هویتی و ذاتی میان انسان‌هاست؛ درحالی‌که خدا انسان‌ها را از یک نوع و دارای فطرت الهی معرفی می‌نماید و ارزش ایمان و اعمال شایسته است و به مشاغل و تخصص‌های آن‌ها در این دنیا نیست و فقط بعد از مرگ افراد صالح و ناصالح شناخته می‌شوند. خدا در قرآن عالمانی را که محفوظات دینی دارند ولی در عمل با تقوی و شایسته نیستند؛ با بدترین عنوان یعنی حیوانی که بارش کتاب است؛ یادآوری می‌نماید. از منظر اسلامی همه انسان‌ها بالقوه واجد (روح الهی) هستند و روحانی و غیرروحانی نداریم؛ اما متخصص علوم دینی و عالم دینی داریم. همچنین در کلیسا، ردیف صندلی‌ها و نشستن یکنواخت، منظم و ثابت بر روی آن‌ها، نماد نهایت انفعال، تماشاچی بودن و عدم انتخاب و اختیار مؤمنین است. درحالی‌که در شبستان مساجد نحوه نشست و برخاست مؤمنین کاملاً، متنوع و اختیاری است و فقط برای ادای نماز در صف‌های منظم به سوی قبله قرار می‌گیرند و حرکات آن‌ها، ایستاده، خم شده، نشسته و به سجده رفته بوده و متنوع است. و در گفتار نماز نیز، برخی توسط امام جماعت، برخی جمعی و برخی از اذکار فردی ادا می‌شود.



تصویر ۱۱. جدا کردن فضای محراب از فضای شبستان و جداکردن محل حضور کشیشان و برگزارکنندگان مراسم، از سایر مردم، نماد مادی و اعتباری نمودن حقیقت عبادت است؛ درحالی‌که عبادت حقیقتی درونی، ذاتی، فردی و اختیاری و مبتنی بر دو رکن آگاهی (ایمان) و عمل ارادی و آگاهانه (عمل صالح) است.

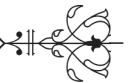




جدول ۴. بررسی تطبیقی ویژگی معماری کلیسای صلیبی از بعد نمادپردازی با دیدگاه اسلامی

دیدگاه مسیحیت	دیدگاه اسلامی
نمادپردازی به صورت نمادگرایی تشبیهی و تخیلی می باشد؛ یعنی از (صورت به صورت) و تسلط صورت بر معنا (اصل تسلط ماده و کالبد بر روح و مفهوم)	نمادگرایی حکمت اسلامی تجلی (معنا در صورت) است؛ مانند عالم طبیعت که همه عناصر طبیعی مظهر تجلیات صفات و اسماء الحسنی الهی و آیه و نشانه تلقی می شوند. بنابراین ظاهر طبیعت آیه و نشانه ای برای درک باطن و صفات خالق طبیعت می شود (اصل تعامل متناسب صورت با معنا).
نمادگرایی مبتنی بر تقدس صلیب، نماد تقلیدی از صورت به صورت است.	درحالی که نمادگرایی باید محتوایی بوده و برای بیننده پلی از صورت به مفهوم باشد و معنایی مشخص و بسترسازی سیر انسان از عالم حواس ظاهری به مفاهیم باطنی که حقیقت عبادت و سیر و سلوک تکاملی انسان است، باشد.
به عقیده مسیحیان حضرت عیسی (ع) پسر خدا و یا پیام آور الهی، خودش ریخته می شود تا شفاعت و نجات انسان ها را بر عهده گیرد؛ با این تعبیر صلیب نماد شفاعت و نجات انسان ها است.	این عقیده کاملاً ناموجه، غیرعقلانی و منحرفانه است. اول آنکه حضرت مسیح (ع) عروج کرده و به قتل نرسیده است. و دوم آنکه شفاعت مربوط به عالم قیامت است و نه این دنیا. در این دنیا هر کس متعهد و مسئول اعمال و رفتار خویش است؛ ضمن آنکه شفاعت شامل حق الناس نمی شود و خداوند نیز آن را نمی بخشد.
مفهوم صلیب از منظر مسیحیان به معنای وسیله ای که با آن به تعبیری پسر خدا و به تعبیری دیگر پیام آور معصوم الهی را به فجیع ترین شکل ممکن به قتل رسانده اند.	نیایش و نیایشگاه قرار است انسان را به حیات جاودانی و تکامل وجودی برساند؛ نه آنکه او را نابود نماید. نماد کعبه محل تولد انسان کامل (امام علی (ع)) و محل قیام انسان کامل (صاحب الزمان (عج)) است.
کشیش در محراب سخنرانی می کند و مراسم انجام می دهند؛ و نیایشگران تماشاچی، شنونده و منفعل هستند و فقط آمین می گویند (محل قیام بر علیه شیاطین درونی و بیرونی نمی تواند باشد).	محراب نماد و به مفهوم محل جنگ و مبارزه است؛ جنگ با نفس حیوانی در درون و جنگ با طغیان گران و حق ستیزان در بیرون. بنابراین محراب باید محل فعالیت و عمل آگاهانه و اختیاری انسان ها باشد.
در برخی کلیساهای صلیبی، از منظر بیرونی گنبدها دارای چندین بام گنبدی هستند و یگانه نیستند.	وجود چند گنبد، مفهوم وحدت، درونگرایی و یگانگی را که نماد خودسازی و سیر در انفس بوده، خدشه دار می سازند.
ناقوس کلیسا به عنوان نماد ارتباط مردم و دعوت از آن ها برای شرکت در مراسم است. این دعوت از طریق صدا و زنگ انجام می شود و حامل هیچ پیام مشخصی جز صدای زنگ نیست. درحالی که برای کسانی که به کلیسا نمی آیند؛ با صدای زنگ، آگاهی و شناختی معنوی و اعتقادی صورت نمی گیرد و برای کسانی که این دعوت را پذیرفته اند؛ حامل پیام و معرفتی نیست.	در خصوص اذان مسلمانان، اول آنکه با صدای انسان مؤمن - که عالی ترین موجود هستی است - مخاطبین را دعوت می نماید. دوم آنکه مفهوم جملات اذان، به طور خلاصه، چکیده و عصاره مکتب اسلام است که با وضوح و عمق، مخاطبین را به وصال حضرت حق و سیر و سلوک الهی دعوت می نماید.
کمبها دادن به مقیاس ورودی در مقابل کالبد و نمای ساختمان و آرایه های آن از مجسمه ها و نقش برجسته های متنوع و متعدد، نماد اصالت بخشیدن به کالبد بنا و دنیای مادی و کم توجهی به انسان ها است.	همه جهان برای انسان ها و آن ها برای سیرالی اله خلق شده اند و عالم مادی نسبت به آن ها پست ترین عالم وجود است.
جدا کردن ورودی کشیشان، از سایرین، نماد تبعیض هویتی و ذاتی میان انسان ها است.	خداوند همه انسان ها را از یک نوع و همه را دارای فطرت الهی معرفی می نماید و ارزش آن ها نیز به ایمان و اعمال شایسته است و به مشاغل و تخصص های آن ها در این دنیا نیست و فقط بعد از مرگ افراد صالح و ناصالح شناخته می شوند. از منظر اسلامی همه انسان ها بالقوه واجد (روح الهی) هستند و روحانی و غیرروحانی نداریم؛ اما متخصص علوم دینی و عالم دینی داریم.





عبادت حقیقتی درونی، ذاتی، فردی و اختیاری و مبتنی بر دو رکن آگاهی (ایمان) و عمل ارادی و آگاهانه (عمل صالح) است.	جدا کردن فضای محراب از فضای شبستان و جدا کردن محل حضور کشیشان و برگزار کنندگان مراسم، از سایر مردم، نماد مادی و اعتباری نمودن حقیقت عبادت است.
در شبستان مساجد نحوه نشست و برخاست مؤمنین کاملاً متنوع و اختیاری است و فقط برای ادای نماز در صف‌های منظم به سوی قبله قرار می‌گیرند و حرکات آنها، ایستاده، خمیده، نشسته و به سجده رفته بوده و متنوع است. در گفتار نماز نیز، برخی توسط امام جماعت، برخی جمعی و برخی از ادکار فردی ادا می‌شود.	ردیف صندلی‌ها و نشستن یکنواخت، منظم و ثابت بر روی آن‌ها، نماد نهایت انفعال، تماشایی بودن و عدم انتخاب و اختیار مؤمنین است.

۳-۵. معماری کلیسای صلیبی از بعد آرایه‌ها

قبل از طرح مطلب لازم است به دو نکته توجه شود:

۱. از منظر اسلامی مراتب وجود، هریک زیبایی‌ها و تزئینات مربوط به خود را دارد؛ که در عالم ملک از طریق حواس پنج‌گانه و غرایز حیوانی انسان ادراک می‌شوند و مورد لذت و اقیان موقتی او قرار می‌گیرند و در عالم معقول و مفاهیم، از طریق عقل و قوه عاقله انسانی ادراک شده و مورد لذت‌های معنوی و مفهومی او قرار می‌گیرند. در عالم ملکوت نیز از طریق روح و فطرت الهی انسان ادراک شده و مورد ابتهاج و انبساط روحانی و تکامل جوهری او قرار می‌گیرند. بنابراین از منظر اسلامی، سه نوع آرایه و سه نوع زیبایی مربوط به هریک از عوالم سه‌گانه وجود دارد که در طول هم بوده و می‌توانند بستر عروج، تکامل و سعادت انسان از پست‌ترین عالم یا بالعکس بستر هبوط و سقوط و بدفرجامی انسان از عالی‌ترین عالم به پست‌ترین عالم بشوند. البته از منظر هستی‌شناسی و نظام احسن، هر کدام از این زینت‌ها برای آن عالم، موجب زیبایی و حسن است؛ اما نسبت به عالم برتر، دارای جمال و حیات محدودتر و ضعیف‌تری است. بنابراین نسبت به مراحل تکاملی انسان، زشت و یا نامناسب و ناشایست تلقی می‌شود. نکته مهم رابطه این سه نوع آرایه و زیبایی با انسان است. انسانی که برای عروج اختیاری و آگاهانه، به عالی‌ترین مراتب وجود خلق شده است و استعداد آن را نیز دارد؛ وقتی به زیبایی‌های پایین‌ترین مرحله وجود یعنی زیبایی‌های ظاهری، حسی و غریزی قانع می‌شود و از زیبایی‌های برتر غافل می‌ماند؛ مفهوم زشتی و ناشایستگی مطرح می‌شود؛ زیرا انسان از سیر تکاملی بازمانده و استعدادهای تکاملی و سعادت ابدی

خود را مخدوش و نابود می‌نماید.

۲. نکته قابل توجه، تفاوت واژه «جمال» با واژه «زینت» در قرآن مجید است. صفت جمال جزء اسماء الحسنی الهی و از صفات ذاتی اوست و به خداوند نسبت داده می‌شود نظیر (والله جمیل) خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، بخشنده است و بخشش را دوست دارد. پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد^{۳۹}. اما زینت، جزء صفات فعلی اوست و هم به خداوند و هم به شیطان نسبت داده می‌شود. زیبایی، یعنی موجودی را، ذاتاً زیبا آفریدن، اما تزئین یعنی موجود کم‌ارزش و کم‌زیبایی را بیش از حقیقت وجودی و جایگاه آن زیبا و باارزش جلوه دادن. در مورد خداوند می‌گوییم «ای که زیبایی را آشکار کنی، و زشتی را بپوشانی^{۴۰}» اما در مورد شیطان می‌گوییم «او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا به خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] باز داشته بود در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند^{۴۱}». یعنی شیطان اعمال زشت و ناشایست آن‌ها را تزئین نمود و زیبا جلوه داد و یا شیطان می‌گوید: «پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه نمودی؛ برای آن‌ها، آنچه را که در زمین است می‌آرایم و بدینوسیله همه را گمراه می‌کنم^{۴۲}». یعنی زیبایی‌های حسی، ظاهری و مادی را که موقتی و نابود شدنی است و زیبایی پایین‌ترین مرتبه وجود و عالم طبیعت است برای انسان‌ها که ذاتاً برای زیبایی‌های معنوی و روحی خلق شده‌اند؛ تزئین می‌نمایم و آن‌ها را فریب می‌دهم؛ تا بدینوسیله آن‌ها را از توجه، کشف، استنباط و شهود زیبایی‌های معنوی و روحی - که بستر کمال وجودی و حیات جاودانی و لذت‌ها و زیبایی‌های عمیق‌تر و پایدارتر

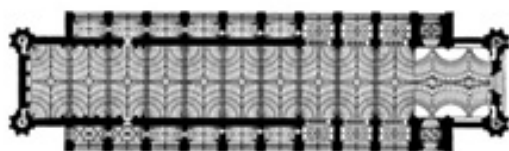




محور ورودی او، به کالبد و شاکله بنای خارجی می‌دهد و انسان را منفعل و تماشایی طلب می‌نماید.

تزئینات کلیسای گوتیک به ظاهر شبیه رسمی‌بندی است؛ اما تأثیرش کاملاً متفاوت است. اول آنکه یک ریتم تکراری عبوری به سمت محراب دارد. دوم آنکه مرکز ثقلش بسته (پر) است؛ برعکس رسمی‌بندی که از چهار طرف شروع می‌شود و در نهایت به فضای خالی شمشه (خورشید، منبع نور، منبع وجود، لایتناهی) می‌رسد (حرکت از کثرت به وحدت).

در کلیسا نسبت ورودی به کل ساختمان قابل توجه بوده (منظور اهمیت کالبدی ورودی است) درحالی‌که در مساجد مثل مسجد امام اصفهان، تمام نما یک سردر ورودی با حداقل جرز است. همچنین ورودی کلیسا مرکز ثقل نمای ساختمان بوده و معمولاً پر از مجسمه و نقش برجسته است. داخل فضا نیز پر از نقاشی و مجسمه است؛ طوری که چندین بار در طول تاریخ شمایل‌شکنی رخ داد. مثلاً در دوره گوتیک تزئینات بسیار بیشتر می‌شود. همچنین نسبت طول به عرض در پلان کلیسا زیاد است؛ به معنای آنکه خدا در آن انتها است (برعکس مربع در پلان مسجد که به معنای خدایی که در همین نزدیکی است). در ارتفاع نیز همین گونه است؛ تفاوت عرض و ارتفاع به معنای اینکه خدا در آسمان‌ها است (برعکس خدایی که از رگ گردن نزدیک‌تر است^{۱۲}).



است- باز دارم. باتوجه به عدم تحریم مجسمه‌سازی و نقاشی در فرهنگ مسیحی و با توجه به طبقه‌بندی انسان‌ها به کشیش و غیر کشیش و قدیس و غیر قدیس و با توجه به اتخاذ واسطه بین انسان و خدا و مقوله اقرار گناه به کشیشان به جای خدائیکه در قلب ما است، بنابراین تفاوت‌های اساسی بین نوع آرایه‌ها در مساجد و کلیساها ایجاد شده است که اجمالاً به آن‌ها اشاره می‌شود.

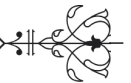
وجود مجسمه‌ها و نقش برجسته‌های متعدد در نمای ساختمان، باعث شده است کالبد کلیسا از بیرون بیشتر شبیه یک نمایشگاه و موزه برونگرا باشد تا یک نیایشگاه درونگرا. همچنین وجود مجسمه‌ها و نقش برجسته‌ها و نقاشی‌ها، از موجودات زنده انسانی، حیوانی و گیاهی به شدت حواس پنج‌گانه، غریزی و جبری انسان‌ها را فعال می‌نماید. درحالی‌که عبادت حقیقی، سیر اختیاری انسان از ظاهر به باطن، از صورت به معنا، از بیرون به درون، از کثرت به وحدت و از ادراک حسی-غریزی به استنباط فهمی-عقلی و مکاشفه شهودی-قلبی است. وجود مجسمه‌ها و نقش برجسته‌ها، با ابعاد سه‌بعدی و مادی خود، به شدت، کیفیت فضاهای داخلی را مادی و فیزیکی می‌نماید. همچنین در محور قرارگرفتن مجسمه‌ها و نقش برجسته‌ها در نمای ساختمان و مقیاس عظیم و وسیع آن نسبت به درب‌های ورودی، اصالت را به جای انسان و



Chapel of King College
Cambridge, England, 1446-1515

تصویر ۱۲. کلیسای کمبریج، انگلستان، ۱۴۴۶-۱۵۱۵ میلادی
تزئینات کلیسا یک ریتم تکراری عبوری به سمت محراب دارد و مرکز ثقلش بسته (پر) است.





تصویر ۱۳. کلیسای مانستر کتدرال، اولم، آلمان (۱۳۷۷-۱۴۹۲)
نسبت ارتفاع ورودی به ارتفاع نمای ساختمان ۱ به ۱۰ است؛ بدین معنا که ساختمان ۱۰ درصد انسانی و درونگرا، و ۹۰ درصد کالبدی و برونگرا.

جدول ۵. بررسی تطبیقی ویژگی معماری کلیساهای صلیبی از بعد آرایه‌ها با دیدگاه اسلامی

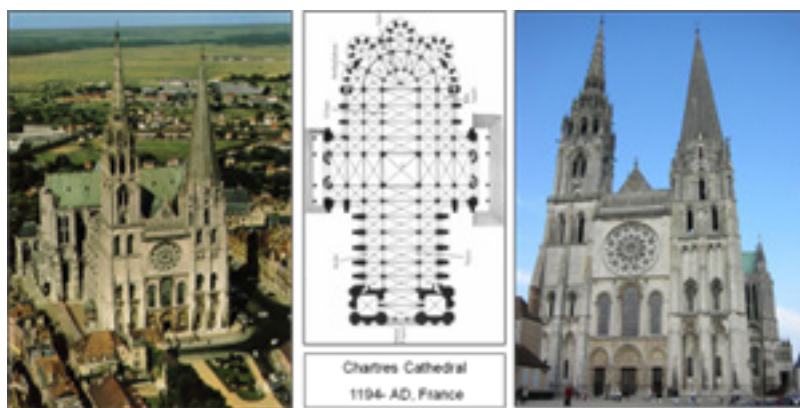
دیدگاه مسیحیت	دیدگاه اسلامی
به علت وجود مجسمه‌ها و نقش برجسته‌های متعدد در نما، کلیسا از بیرون شبیه یک نمایشگاه و موزه برونگراست؛ تا یک نمایشگاه درونگرا. وجود مجسمه، نقش برجسته و نقاشی، با ابعاد سه‌بعدی و مادی، از موجودات زنده به شدت حواس پنج‌گانه، غریزی و جبری انسان‌ها را فعال می‌نماید و کیفیت فضاهای داخلی را مادی و فیزیکی می‌نماید.	عبادت حقیقی، سیر اختیاری انسان از ظاهر به باطن، از صورت به معنا، از بیرون به درون، از کثرت به وحدت و از ادراک حسی-غریزی به استنباط فهمی-عقلی و مکاشفه شهودی-قلبی است.
مجسمه و نقش برجسته‌ها در نما ساختمان و مقیاس عظیم و وسیع آن نسبت به ورودی، اصالت را بجای انسان و محور ورودی، به کالبد و شاکله بنا خارجی می‌دهد و انسان منفعل و تماشاچی می‌شود.	کالبد فقط وسیله‌ای در خدمت انسان‌های مؤمن است؛ و تقدس مربوط به (روح الهی) انسان‌هاست و نه عناصر فیزیکی.
ورودی کلیسا مرکز ثقل نمای ساختمان بوده و معمولاً پر از مجسمه و نقش برجسته است و نسبت آن به کل ساختمان نیز قابل توجه است و داخل فضا هم پر از نقاشی و مجسمه است.	درحالی که در مساجد مثل مسجد امام اصفهان، تمام نما یک سردر ورودی با حداقل جرز است.
نسبت طول به عرض در پلان و ارتفاع کلیسا زیاد است به معنای آنکه خدا در آن انتها و در آسمان‌هاست.	مربع در پلان مسجد که به معنای خدایی که در همین نزدیکی است و از رگ گردن نزدیک تر است.
تزئینات کلیسا به ظاهر شبیه رسمی‌بندی اما تأثیرش متفاوت است؛ یک ریتم تکراری عبوری به سمت محراب و مرکز ثقلش بسته (پر).	رسمی‌بندی از چهار طرف شروع و در نهایت به فضای خالی شمسه (منبع نور و وجود لایتناهی) می‌رسد (حرکت از کثرت به وحدت).





همچنین اکثر کلیساهای صلیبی با ساختار صلیب گون خود یک رابطه تحمیلی با محیط ایجاد می کنند و می توان گفت کلیسا خود را به بافت تحمیل نموده است درست مثل قرار دادن یک مجسمه در میانه یک بافت بی ارتباط که در دل بافت خودنمایی می کند و ارتباط مؤثری با محیط اطراف ندارد. حال آن که اکثر مساجد از ورودی با بافت بیرون هماهنگ هستند. همچنین با وجود یکسانی اصول فضایی برای مساجد گوناگون شکل و مقیاس مسجد متناسب با بافت و اقلیم تفاوت دارد.

۴-۵. ویژگی معماری کلیسای صلیبی از بعد ارتباط با محیط طبیعی و فرهنگی
اکثر کلیساهای صلیبی، فاقد حیاط داخلی می باشند؛ بنابراین فاقد سلسله مراتب متنوع فضایی از خارج به داخل بوده است و به دلیل ارتباط مستقیم ورودی و پنجره ها با فضای بیرون مزاحمت های هجواری افزایش می یابد و به دلیل عدم وجود حیاط داخلی، ترکیب سایر فضاهای خدماتی - که می تواند مکمل فضای عبادی و چند منظوره باشد - با مشکلات زیادی روبرو است.



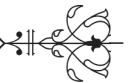
تصویر ۱۴. کلیسای چارترز کاتدرال، فرانسه، ۱۱۹۴ میلادی

ایجاد یک رابطه تحمیلی بین محیط و کلیسا درست مثل قرار دادن یک مجسمه در میانه یک بافت بی ارتباط

جدول ۶. بررسی تطبیقی ویژگی معماری کلیسای صلیبی از بعد ارتباط با محیط طبیعی و فرهنگی با دیدگاه اسلامی

دیدگاه مسیحیت	دیدگاه اسلامی
اکثر کلیساهای صلیبی، فاقد حیاط داخلی می باشند؛ بنابراین فاقد سلسله مراتب متنوع فضایی از خارج به داخل بوده و به دلیل ارتباط مستقیم ورودی و پنجره ها با فضای بیرون مزاحمت های هجواری افزایش می یابد و ترکیب سایر فضاهای خدماتی - که می تواند مکمل یک فضای عبادی و چند منظوره باشد - با مشکلات زیادی روبرو است.	اکثر مساجد از ورودی با بافت بیرون هماهنگ است. با وجود یکسانی اصول فضایی برای مساجد گوناگون شکل و مقیاس مسجد متناسب با بافت و اقلیم تفاوت دارد.
اکثر کلیساهای صلیبی با ساختار صلیب گون خود یک رابطه تحمیلی با محیط ایجاد می کند؛ همانند مجسمه ای بی ارتباط در دل بافت خودنمایی می کند و ارتباط مؤثری با محیط اطراف ندارد.	





۶. نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی اجمالی علاوه بر نتایجی که در هر مرحله و در جدول مربوط به آن اشاره شده است؛ به‌طور کلی می‌توان گفت فرآیند انحراف در طراحی کلیساهای صلیبی، حاصل انحرافات است که معتقدین به این دین الهی در طول تاریخ ایجاد و منتشر نموده‌اند. انحراف در مفهوم عبادت و رابطه انسان با خدا، با جامعه، با طبیعت و دنیا و مسیر رشد و تکامل فطری و وجودی او، باعث ایجاد مراسم، مناسک و آداب و رسوم رفتاری و کرداری نامناسب و نامطلوب و بدعت‌آمیزی شده است. طبیعتاً معماران و هنرمندان مجبور بوده‌اند در قالب این توصیه‌ها، رفتارها و مراسم مطرح شده، طراحی نمایند. مثلاً از شکل و نقشه از قبل تعیین‌شده صلیب - که یک نماد عمودی است - در طراحی پلان کلیسا، تقلید و طراحی نمایند. بنابراین سرچشمه انحرافات کالبدی منبعث از انحرافات فکری، اعتقادی و نوع نمادگرایی و آرایه‌ها است و پیش از معماران، علماء این دین، در این ناهنجاری‌ها شریک می‌باشند.

این مقاله مبتنی بر حکمت اسلامی است که انسان‌ها را از بُعد فطرت روحی (نفوس عقلانی و روحانی) یک نوع و مشترک می‌داند و مفهوم عبادت و مسیر تکاملی انسان‌ها را نیز از طریق ایمان به حقایق (عالم و آدم) و عمل ارادی و انتخابی فردی و اجتماعی که مطابق با آن ایمان باشد؛ می‌داند. بنابراین فرهنگ اسلامی به ما اجازه می‌دهد با ارکان سه‌گانه (اعتقادات، احکام و اخلاق)، مبتنی بر دو منبع (کلام الهی و سنت معصومین (س)) علاوه بر موضوعات فوق، تأثیر انحرافات آنها را در آثار و تمدن وابسته به آنها از جمله آثار هنری، معماری و شهرسازی، مورد بهره‌برداری و ارزیابی و نقد قرار داد. در این مقاله، ساختار، مراحل، منابع و مبانی فرایندها را مبتنی بر نظریه (سلام ۳۴) مورد بحث قرار گرفته است. مبتنی بر نظریه فوق چهار عنصر (ایده‌های فضایی‌هندسی، آرایه‌ها و تزئینات، نما و نمادها، ارتباط معماری با محیط طبیعی و فرهنگی) در معماری که معناپذیر هستند؛ مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

کلیسا تجلی معمارانه حکمت مسیحیت است و در حقیقت تجلی ضعف‌های مختلف این حکمت از مفهوم

حقیقی عبادت می‌باشد که در عبادتگاه تجلی یافته است. تلاش بسیار برای تبدیل کلیسا به تجسد مسیح و صلیب او بسیاری از کارکردهای فضایی کلیسا را دچار اختلال کرده است. این تجسد هم از باب محل قرارگیری ساختمان (محل طلوع خورشید در اعتدالین، به یاد زمان عید پاک) و هم از باب هم شکلی نقشه عمومی کلیسا و کالبد آن با مسیح مصلوب محل نقد است؛ زیرا این نماد تحمیلی و صوری، اصلاً دیده نمی‌شود و حتی نماد (صورت به صورت) هم نیست.

تاکید بر قرارگیری ورودی اصلی در غرب (به معنای پشت کردن به عالم غرب یا دنیا به هنگام ورود) و تأکیدات رازگونه مثل تأکید بر استعاره غار و قراردادی جادیواری در شرق کلیسا، خود را بر معماری فضا تحمیل می‌کند؛ بدون آنکه مابه‌ازای کارکردی مفید و مستقلاً داشته باشد. جدا از آن که غار دیدن هستی به سنت بی‌ارزش بودن دنیا و لزوم وصل به نور بیرونی و فرهنگ رهبانیت می‌انجامد که در اسلام شدیداً محل نقد است.

سردرب غربی کلیسا - که نماد گذر از دنیاست - اوج تمرکز خود را بر بازنمایی تمثال مسیح به عنوان دروازه عبور از دنیا گذاشته و اساساً تمرکز را از معنا به تجسم می‌کشاند. امری که به خصوص بعد از شکست جنبش تمثال‌شکنی، بسیار افراطی و بعد از وقوع رنسانس بسیار زمینی و منطبق بر فرهنگ شرک آمیز پیشامسیحی شد. بر هم نهی محل ورود (از سمت غرب ساختمان، بنا به باورهای پیش‌گفته) با ساختار صلیبی، عملاً اختیار معمار برای تعریف مسیر حرکت مبتنی بر کارکردهای درون فضای کلیسا را بسیار محدود می‌کند.

سلسله‌مراتب روحانی در مسیحیت (مومن مسیحی، کشیش، اسقف، بطرک یا پاپ) خود را حتی در تفکیک ورودی‌ها و ساحات بنا هم نشان می‌دهد که این تفکیک قدیس و غیرقدیس، نماد تبعیض هویتی و ذاتی میان انسان‌هاست؛ و از دیدگاه اسلام نامطلوب است.

در اسلام هر نوع تجسد (شبیه‌سازی و بت‌پرستی است) امری مردود است. ایجاد زمینه عبادت و تمرکز به سوی معبودی است که (در قلب) ما است و از (رگ گردن)





به تماشای تزئینات از موجودات زنده اعم از (قدسین، ملائکه و غیره) دعوت می‌نماید و موجب از خودبیگانگی و برونگرایی نیایشگران و مجذوب شدن به غیر خداوند و زیبایی‌های ظاهری و جسمانی می‌شود.

۵ شهید دانستن حضرت مسیح علی‌رغم آن که ایشان به خواست خداوند به آسمان عروج کرده‌اند؛ یک تفاوت مهم دیگر بین حکمت اسلام و مسیحی است. این شهید بودن درونمایه بخش مهمی از مراسم قداس و تعریف مسیحیت از شفاعت مسیح گردیده‌است. منطق مراسم قداس و نیز تفکیک سالن نیایش به دو بخش قدیسین و غیرقدیسین، نیازهای کالبدی را به فضا تحمیل کرده که نتیجه‌ای جز ایجاد یک بافت طبقاتی به لحاظ اجتماعی نیست. از طرف دیگر همین تعریف نقش مقدس برای پدر روحانی/بطرک/اسقف در قداس و سایر مراسم، در عمل به واسطه‌گری مقام روحانی بین بنده و خدا بدل شده و جایگاه اعتراف را ایجاد کرده است که همه این موارد در تضاد با حکمت اسلامی است که همه انسان‌ها را ذاتاً و بالقوه دارای روح الهی می‌داند و اعتراف گناه به غیر از خداوند را حرام و مکروه اعلام کرده است.

۵ تقدس صلیب که ابزار شهادت و شکنجه‌گاه حضرت مسیح (در تصور غلط مسیحیان) تلقی شده؛ باعث اشکالات متعددی شده است. این شکل اجباری و تحمیلی در عمل ضعف‌های متنوعی در کالبد معماری و در کارکرد و در طراحی فضا و هندسه آن ایجاد نموده است (زیرا صلیب یک نماد عمودی است و در پلان کلیسا و یا حجم کلی آن اصولاً دیده نمی‌شود؛ و یک طرح اجباری، تقلیدی و نامناسب است). در حالی که خانه کعبه، قبله مسلمین (محل تولد انسان کامل) و (محل پذیرش توبه حضرت آدم(ع)) تلقی می‌شود؛ نه وسیله شکنجه انسان. پلان مرجع و حجم مکعب آن هم مناسب‌ترین ایده فضایی و هندسی برای نیایشگاه و بستر مناسبی برای تکامل (عقلانی و روحانی) انسان‌ها است؛ و به سوی خداوندی هستند که در قلب آنهاست؛ از رگ گردن به آنها نزدیک‌تر است؛ و هیچ واسطه‌ای را بین انسان و خداوند نمی‌پذیرد.

به ما نزدیک‌تر است. مفهوم قبله در اسلام به‌عنوان خانه کعبه که فضایی است خالی، درونگرا، وحدت بخش و تمرکزآفرین، بنابراین مناسب‌ترین و مطلوب‌ترین فضا برای سیر در انفس و خودآگاهی اختیاری (عقلانی و روحانی) است که می‌تواند بستر ساز تکامل وجودی، فطری و اختیاری انسان‌ها باشد. به این مضمون جناب شیخ شبستری چنین اشاره می‌نماید:

من یارهمی‌جویم؛ او جلوه‌گاه یار

او خانه همی‌جوید؛ من صاحب خانه

مقصود من از کعبه و بت خانه تویی؛ تو

مقصود، تویی؛ کعبه و بت خانه بهانه

۵ در نقطه مقابل در مسیحیت با یک سالن سخنرانی یا تأثر و سینما مواجهیم و سخنران یا آیین مورد اجرای او (مثلاً عشای ربانی) نقطه کانونی عبادت است و نیایشگران منفعل بوده و نقش تماشاچی را به عهده دارند؛ درحالی‌که در مساجد مقوله سخنرانی و نماد (منبر) برای تکامل عقلانی و ایمانی در جای خود محفوظ است؛ اما نیایش اصلی که در واقع معراج مؤمن و متضمن تکامل وجودی و جوهری اوست با نماد (محراب) و عملکرد (نماز) فردی و جمعی به سوی قبله مشترک جهانی و همه با هم به سوی او میسر و مطلوب می‌باشد. این تفاوت بین مفهوم (نماز) با (شنیدن سخنرانی) خود را در نحوه نشستن (روی صندلی‌های منظم در کلیسا و یا نشستن منعطف روی زمین در مسجد) و تفاوت در سلول فضایی مسجد و کلیسا نیز مشخص می‌کند.

۵ در نحوه دعوت مؤمنین بین زنگ ناقوس و اذان، تفاوت ماهوی وجود دارد. زنگ ناقوس صرفاً یک هشدار بدون پیام با بانگ و طنین آهنی است در حالی که اذان تذکرات معنوی و عصاره اعتقادات اسلامی از طریق کلام و بیان یک انسان مؤمن است.

۵ حجم عظیم نقاشی، مجسمه و فرسکو در کلیسای مسیحی بخصوص بعد از شکست جنبش تمثال‌شکنی، اساساً مانع هر نوع تمرکز روحی و معنوی است و به جای دعوت‌کنندگی به خودآگاهی و سیر درونی عبادتگاه تبدیل به نمایشگاه و موزه می‌شود؛ و عملاً مومن مسیحی را



پی‌نوشت

۱. این نظریه در کرسی‌های نظریه‌پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد داوری و تأیید قرار گرفته و در کتاب (پنج رساله) در حکمت هنر، معماری و شهرسازی به چاپ رسیده است.
۲. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ: همانا دین در نزد خداوند همان اسلام است» (سوره آل عمران / آیه ۱۹).
۳. «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را به راه راست هدایت فرما» (سوره فاتحه / آیه ۶). یعنی راهی که (مبدأ، جهت، غایت و شرایط راهبردی) آن کاملاً توسط مکتب اسلام تبیین و تشریح شده است.
۴. «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون: و جن و انس را نیافریدیم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند» (سوره ذاریات / آیه ۵۶).
۵. انجیل مرقس، ۷:۵
۶. انجیل یوحنا، ۱:۱۴
۷. انجیل متی، ۱۹:۲۸
۸. قرآن کریم (مائده / ۷۳: توبه / ۳۰: مائده / ۱۷: مائده / ۷۵)
۹. انجیل متی ۲۱: ۱۹-۲۳
۱۰. انجیل یوحنا ۱: ۲، نامه‌های رومیان ۸: ۱-۳۴
۱۱. سوره مبارکه بقره، ۲۵۵
۱۲. نامه‌های رومیان، باب ۵، آیه ۱۵-۱۶
۱۳. «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ، نَسَاء: ۶۴»
۱۴. <https://www.islamquest.net/fa/archive/question/id23760>
۱۵. امام صادق(ع) فرمودند: القلب حرم الله فلا تسكن حرم الله غير الله
۱۶. «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، سوره مبارکه ق / ۱۶»
۱۷. انجیل متی، باب ۲۸، ۱۹
۱۸. انجیل متی، باب ۲۸، ۵۸-۱۰۶
۱۹. Vander watt
۲۰. انجیل متی، باب ۱۷، ص ۲۶-۲۹
۲۱. بقره / ۲۵۵
۲۲. امام صادق(ع) فرمودند: القلب حرم الله فلا تسكن حرم الله غير الله، بحار الانوار، ج ۷۰، ۲۵.
۲۳. «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، سوره مبارکه ق / آیه ۱۶»
۲۴. «التَّوْبَةُ عَلَى أَرْبَعَةِ دَعَائِمٍ: نَدَمٌ بِالْقَلْبِ، وَ اسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ، وَ عَزْمٌ عَلَى أَنْ لَا يَعُودَ، بحار الانوار، ج ۷۵، ۸۱.
۲۵. انجیل یوحنا ۱۶: ۳
۲۶. امام حسین(ع): هل من ناصر ينصرني هل من معين
۲۷. امام صادق(ع): «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَحِيفًا بِالصَّلَاةِ». «به‌درستی که شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد؛ نمی‌رسد».
۲۸. انجیل پطرس ۲: ۲۱
۲۹. پیامبر اکرم(ص): «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، سَخِيٌّ يُحِبُّ السَّخَاءَ، نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ (نهج الفصاحه ص ۲۹۳، ح ۶۹۰).
۳۰. «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ (مفاتيح الجنان، دعای یا من اظهر الجمیل)
۳۱. «وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (سوره النمل / آیه ۲۴)
۳۲. «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأُزَيِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ». «گفت پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت» (سوره الحجر / آیه ۳۹).
۳۳. «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» سوره مبارکه ق / آیه ۱۶
۳۴. نظریه «سلام» توسط عبدالحمید نقره‌کار در کرسی هنر، معماری و شهرسازی، کرسی‌های نظریه‌پردازی، نوآوری و نقد شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح و به تأیید و تصویب رسیده است.



منابع

۱. قرآن مجید.
۲. فیض الاسلام، سید علی نقی. ۱۳۷۵. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. ۹۰۱ ق. عوالی اللآلی. ج ۴.
۴. ابن شهر آشوب. ۱۳۶۴. متشابه القرآن. ج ۱.
۵. التعليم المسيحي للكنيسة الكاثوليكية. ۱۹۹۹ م. لبنان: المكتوبة البوسيه.
۶. انجيل بطرس.
۷. انجيل متی.
۸. انجيل مرقس.
۹. انجيل یوحنا.
۱۰. بمانیان، محمدرضا. هانیه اخوت، و مجتبی انصاری. ۱۳۸۷. تجلی حکمت اسلامی و حکمت مسیحی بر هندسه مساجد و کلیساها. کتاب ماه هنر (۱۲۴).
۱۱. بورکهارت، تیتوس. ۱۳۶۹. هنر مقدس، اصول و روش ها. ترجمه ی جلال ستاری. تهران: سروش.
۱۲. بوش، ریچارد. ۱۳۷۸. جهان مذهبی ادیان در جوامع امروز. ترجمه ی عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. توماس، میشل. ۱۳۷۷. کلام مسیحی. مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۴. حاجی فتحعلی، مهسا. مهگام مرتضی پور، و مرسا بیدلی. ۱۳۹۱. بررسی تاثیر حکمت و دین بر دو نماد برجسته معماری، کلیسا و مسجد. در همایش بین المللی دین در آینه هنر.
۱۵. حسن زاده آملی، حسن. هزار و یک نکته، ج ۱ و ۲.
۱۶. خسروپناه، عبد الحسین. اسرار (۲).
۱۷. دورانت، ویل. ۱۳۷۸. تاریخ تمدن: عصر ایمان. انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. رسائل قرن تیان.
۱۹. زیبایی نژاد، محمدرضا. ۱۳۸۲. مسیحیت شناسی مقایسه ای. تهران: سروش.
۲۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه، جلد ۴.
۲۱. طالب، حسن. ۱۳۸۳. «نجات شناسی» از دیدگاه مسیحیت و اسلام. طلوع (۱۰-۱۱).
۲۲. عجلونی، اسماعیل. کشف الخفاء، ج ۲.
۲۳. علامه مجلسی، محمد تقی. بحار الأنوار، ج ۲، ج ۷۰، و ج ۷۵.
۲۴. کربن، هانری. ۱۳۷۳. تاریخ فلسفه اسلامی. ترجمه ی جواد طباطبایی. تهران: کویر.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. ۳۲۹ هـ. الکافی، ج ۱.
۲۶. گاردنر، هلن. ۱۳۷۹. هنر در گذر زمان. ترجمه ی محمدتقی فرامرزی. تهران: نگاه و آگاه.
۲۷. لینگز، مارتین. زمستان ۱۳۷۵ و بهار ۱۳۷۶. مراتب حکمت در معماری مسجد و کلیسای جامع. هنر (۳۲).
۲۸. محدث نوری، حسین. ۱۴۰۸. مستدرک الوسائل، ج ۵ و ج ۱۱.
۲۹. محمد رضایی، محمد. ۱۳۸۶. الاهیات تطبیقی بین اسلام و مسیحیت (توحید و تثلیث). قیسات (۴۳).
۳۰. محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۴. میزان الحکمه، جلد ۳.
۳۱. مطهری، مرتضی. ۱۳۵۷. حقوق زن در اسلام. انتشارات صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. مجموعه آثار، جلد ۲۰.
۳۳. نامه های رومیان.
۳۴. نصر، سید حسین. ۱۳۷۵. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه ی رحیم قاسمیان. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
۳۵. نقره کار، عبدالحمید. ۱۳۹۵. شهر یور. خانه کعبه سلول بنیادی در طراحی نیایشگاه های مطلوب. کرسی های نظریه پردازی.
۳۶. نقره کار، عبدالحمید. ۱۳۹۵. پاییز. نسبت اسلام با فرایندهای انسانی، فرانظریه سلام. پژوهش های معماری اسلامی ۴ (۳): ۴-۲۴.





References

1. *Holy Quran*.
2. Faiz al-Islam, Sayyid Ali Naqi. 2006. *Nahj- ol-Balagha*.
3. Ajeluni, Ismail. *Kashf al Kahfa, Vol 2*.
4. Allama Majlesi, Mohammad Taqi. *Behar al Anwar, Vol 2*, 70 and C75.
5. Bemanian, Mohammad Reza, Haniyeh Okhovat, and Mojtaba Ansari. 2008. Manifestation of Islamic Wisdom and Christian Wisdom on the Geometry of Mosques and Churches. *Ketab-e Mah-e Honar* (124).
6. Berliner, R. The Origins of the Creche. *Gazzete des Beaux-Art* 30(1940): (251).
7. Burkhart, Titus. 1990. *The Sacred Art, Principles and Methods*. Translated by Jalal Sattari. Tehran: Soroush.
8. Bush, Richard. 1999. *The Religious World, Religions in Today's Societies*. Translated by Abdul Rahim Gawahi. Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
9. Carbon, Henry. 1994. *History of Islamic Philosophy*. Translated by Javad Tabatabai. Tehram: Kavir.
10. *Christian Instruction for Catholic Church*. 1999. Lebanon: Busia.
11. *Corinthians*.
12. Durant, Will. 1999. *History of Civilization: The Age of Faith*. Elmi Farhangi.
13. Gardner, Helen. 2000. *Art Over Time*. Translated by Mohammad Taghi Faramarzi. Tehran: Negah o Agah.
14. Haji Fath Ali, Mahsa, Mahgam Morteza Pour, and Morsa Bideley. 2012. Study On the Effect of Wisdom and Religion on Two Prominent Symbols of Architecture, Church and Mosque, *In International Conference on Religion in Mirror of Art*.
15. Hassanzadeh Amoli, Hassan. *One Thousand and One Tips, Vol 1 and 2*.
16. Ibn Abi Jumhur, Muhammad ibn Zayn al-Din. 901AH. *Avali Allali, Vol4*.
17. Ibn Shahr Ashub. 1985. *Mushabeh Olquran, Vol 1*.
18. Khosrow Panah, Abdul Hussein. *Asra 3 (2)*.
19. Koleini, Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq. 329. *Al-kafi, Vol 1*.
20. Lings, Martin. Winter 1996 and Spring 1997. *Levels of Wisdom in the Architecture of Mosques and Cathedrals. Art* (32).
21. Michael D Coogah. *The Illustrated Guid to World Religions*. Oxford University Press.
22. Mohammadi Rey Shahri, Mohammad. 2005. *Mizan al-Hikma, Volume 3*.
23. Mohammad Rezaei, Mohammad. 2007. Comparative Theology between Islam and Christianity (Monotheism and Trinity). *Qabsat* (43).
24. Motahari, Morteza. 1979. *Women's Rights in Islam*. Sadra.
25. Motahari, Morteza. 1999. *Collection of Works, Volume 20*.
26. Muhaddith Nouri, Hussein. 1408. *Mustadrak al-Wasa'il, Vol 5 and 11*.
27. Nasr, Sayyid Hussein. 1996. *Islamic Art and Spirituality*. Translated by Rahim Ghasemiyan. Tehran: Office of Religious Art Studies.
28. Noghrekar, Abdul Hamid. 2016 September. *Kaaba House, The Stem Cell in Desirable Shrines Design*. Theorizing Chairs.
29. Noghrekar, Abdul Hamid. 2016 Fall. The Interrelation between Islam Andhumanprocesses Theory of (Salam). *Researches in Islamic Architecture 4 (3)*: 4- 21.
30. *Romans*.
31. Sheikh Hor Ameli, Muhammad bin Hassan. *Vasaal al-Shia, Volume 4*.
32. Talib, Hassan. 2004. Salvation, from Christianity and Islam Perspective. *Toloo (10-11)*.
33. *The Gospel of John*.
34. *The Gospel of Mark*.
35. *The Gospel of Matthew*.
36. *The Gospel of Peter*.
37. Thomas, Michelle. 1998. *Christian Theology*. Center for the Study and Research of Religions.
38. Vander watt, Jan. *Slaviation in the New Treatment*. Brill: 181.
39. Zibainejad, Mohammad Reza. 2003. *Comparative Christianity*. Tehran: Soroush.





Evaluation of Architecture Dimensions (Conceptual, Functional and Physical) of Crusading Churches from Islamic Perspective

Abdolhamid Noqrehkar *

Associate Professor of Architecture, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Reihaneh sadat Tabatabaee Yeganeh **

Phd candidate

Received:25/08/2019

Accepted: 01/09/2020

Abstract

One of the main reasons for the deviations of human schools in the East and West of the world, especially the modernist and postmodernist currents that were created in Western culture after the Middle Ages and the Renaissance, has spread around the world to the present day. These are the deviations that have occurred in the divine religions, especially Judaism and Christianity, by the believers of these religions. Authoritative Islamic sources (Divine Word and Tradition of the Infallibles) have explained and analyzed these deviations. An example of such distortions is the Christians belief in concepts (God, the Prophet, man's relationship with God, the Prophet, the ulema, society, and nature). In this paper, the effect of these deviations on one of the most important elements of human civilization, namely (human places of worship) and as a special example (cruciform churches) from the Islamic point of view, based on theory (Salam) has been interpreted and analyzed. The theory (Salam) divides human processes such as the construction of a place of worship into five general stages (ideas, motivations, and methods of the architect-artist, to create the body of the work and the effects of the work on the audience) and the effect of the deviations of each stage to the stages. Next, he interprets and analyzes the creation of the architectural work and its effects. In this theory, it is stated that the prophets and divine schools have provided innocent resources and bases for the first three stages of human processes with titles (beliefs, rules and ethics) and the fourth stage requires specialized ijihad and creation of works by human beings in The world has nature. Thus, the existing problems in the form of civilizational works, including (the crucifixion churches), are the result of deviations in (beliefs, rules, and ethics) created in Christian culture. The present study is fundamental and the research method of this research is documentary and based on reliable primary and secondary sources and well-founded Islamic principles (analytical and interpretive) as well as the four Gospels and early Christian texts. In conclusion, the effects of Christian deviations (doctrinal, behavioral, and methodological) on the body of cruciform churches in terms of dimensions (geometric-spatial ideas, arrays, and symbols) have been evaluated and analyzed.

Keywords: Prayer, Shrine, Worship, Shrine, Crusades, Mosque.